



شماره ۱۳۴

توفان الکترونیکی

مقالات توفان الکترونیکی، نشریه الکترونیکی

حزب کار ایران (توفان)

شماره ۱۳۴ شهریور ماه ۱۳۹۶

در این شماره می‌خوانید

- ۲ برای آزادی کارگران دربند به کوشیم، به کوشیم فریاد کارگران زندانی باشیم
- ۳ جان رفیق حما همای در خطر است
- ۶ حمایت و همبستگی بین‌المللی با رضا شهابی و کارگران زندانی
- ۹ در حمایت از مطالبات بازنشستگان
- ۱۱ شلاق سرمایه بر پیکر کارگر پی‌پاسخ نخواهد ماند!
- ۱۴ کلیه‌فروشی دسته جمعی کارگران دست‌آورد رژیم تبه‌کار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است
- ۱۷ تهدیدات جنون‌آمیز و سیاست جنگ‌افروزانه امپریالیسم آمریکا علیه کره شمالی محکوم است
- ۲۰ به مناسبت بیست و نهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷
- ۲۳ نامه به احزاب کمونیست (م ل) متشکل در کنفرانس بین‌المللی و تشکلات مستقل سندیکایی و نهادهای دمکراتیک و مترقی
- ۲۶ دست امپریالیسم آمریکا از ونزوئلا کوتاه باد!
- ۲۹ گفتگوی رادیویی با دکتر ناصر زرافشان پیرامون کابینه دوم حسن روحانی
- ۳۳ گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به چند پرسش
- ۳۶ پرسش و پاسخ در کانال تلگرام
- ۳۸ معرفی یک کتاب ارزشمند در افشای رویونیسم
- ۴۱ توفان در رسانه

برای آزادی کارگران دربند به کوشیم، به کوشیم فریاد کارگران زندانی باشیم

بیش از سی روز است که زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر در اعتصاب غذا بسر می‌برند. تلاش خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز به جایی نرسیده و رژیم اسلامی عزمش را جزم کرده تا با شگردهای شناخته شده ضد انسانی جان این زندانیان را



به گیرد. در حال حاضر تعدادی از زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا به سر می‌برند و همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند، از جمله می‌توان؛ سعید شیرزاد، ابراهیم فیروزی، سعید ماسوری، امیر قاضیانی، شاهین ذوقی تبار، ابولقاسم فولادوند، وحید صیاد نصیری، محمد امیرخیزی، محمدعلی (پیروز) منصور، جعفر (شاهین) اقدامی، رضا اکبری منفرد، پیمان شکیبا، مجید اسدی، حسن صادقی، محمد نظری، حمید بابایی و رضا شهابی را نام برد. در بین اعتصاب کنندگان، محمد نظری و رضا شهابی رسیدگی به وضعیت حقوقی پرونده خود را نیز علاوه بر اعتراض به محیط بند جدید مطالبه می‌کنند. رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد، بیست و یکمین روز اعتصاب خود را پشت سر می‌گذارد و طبق گزارشات دریافتی حالش وخیم و جانش در خطر است. زندان و شکنجه‌های جسمی و روحی فعالین کارگری توسط دستاربندها حاکم، نشان از ضعف و ترس و درماندگی رژیمی است که توان پاسخ به ابتدائی‌ترین مطالبات کارگران، این آفرینندگان ثروت جامعه را ندارد و در نتیجه برای حفظ نظام پوشالی سرمایه‌داری خویش بی‌شرمانه به قهر و ترور متوسل می‌شود. سرکوب وحشیانه کارگران، کارگرانی که بدنال تحقق اضافه دستمزد و تلاش جهت تأسیس اتحادیه‌های صنفی مستقل و یا دریافت حقوق معوقه خود هستند، نفرت‌انگیز، ضد بشری و عملاً به نفع امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، این جنگ افروزان بین المللی است. خواست آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی خواست همه مردم ایران و همه آزادیخواهان و نیروهای ترقی خواه جهان است. به یاری زندانیان سیاسی بهشتابیم و از هیچ کوششی دریغ نه‌ورزیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم‌رهای بشریت!

حزب کار ایران (توفان) www.toufan.org سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۳۹۶ - ۲۹ اوت ۲۰۱۷

ما خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی هستیم

جان رفیق حما همامی در خطر است

طبق اخبار رسیده از سوی رفقای حزب کارگران تونس، دولت تونس تیم محافظان امنیتی رفیق حما همامی را حذف کرده است.

رفیق حما همامی، سخنگوی جبهه خلق تونس و همچنین رهبر حزب



کارگران تونس (POT) است، که در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در رده سوم قرار گرفت. وی شخصیتی شناخته شده و محبوب بین زحمتکشان و جوانان تونس است. این تصمیم که تیم محافظان امنیتی وی را حذف کنند، تصمیمی سیاسی است، چه این که او بارها از جانب دستیاران امپریالیسم به مرگ تهدید شده است. قبل از وی شکری بالعید و محمد ابراهیمی از پایه گذاران و سخنگویان جبهه خلق از جانب همین نیروهای فاشیستی - اسلامی به قتل رسیده‌اند. برای دستگیری قاتلان آنها تا به امروز هیچ اقدام جدی از جانب دولت تونس صورت نگرفته است. حزب کارگران تونس به رهبری رفیق حما همامی نقش عظیمی در انقلاب دموکراتیک مردم تونس ایفاء کرده است. هرگونه حمله به جبهه خلق و رفیق حما همامی با چنین نیتی صورت می‌گیرد که وی را هدفی آشکار برای نیروهای ضد انقلابی و امپریالیستی گردانند. تمامی نیروهای دموکراتیک و مردمی تونس خواهان امنیت جانی برای رفیق حما همامی‌اند. همسر وی خانم راضیه نصرای، وکیل مدافع و فعال حقوق بشر از تاریخ ۱۱ ماه ژوئیه ۲۰۱۷ در اعتصاب غذا به سر می‌برد. وی خواهان حفاظت جان حما همامی است. یک هیات نمایندگی حقوق بشر که در اول ماه اوت ۲۰۱۷ ملاقاتی با رئیس جمهور تونس و در تاریخ هشتم اوت با وزیر امور داخله تونس برای حفظ جان حما همامی و پایان موفقیت‌آمیز اعتصابات غذای راضیه نصرای داشت، بدون نتیجه مانده است، دولت تونس مسئولیت هرگونه حمله به جان حما همامی و همسر وی را به عهده خواهد داشت. ما از تمام نیروهای انقلابی، پیشرو و سازمانهای دموکراتیک می‌طلبیم، که برای حفظ جان حما همامی و همسر وی خانم راضیه نصرای به دفاع برخیزند.

زنده باد همبستگی بین المللی! مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

حزب کار ایران (توفان) اوت ۲۰۱۷

خواهشمندیم که نوشته اعتراضی خود را به آدرس های سفارتخانه های تونس در خارج، از جمله به آدرس های زیر ارسال دارید:

آلمان:

Tunesien Botschaft Berlin
Lindenallee 16
Berlin 14050
Deutschland

Telefon: 030 – 364107-0
30820683 – Fax: 030
at.berlin@tunesien.tn

فرانسه:

l'Ambassade du Tunisie
Jouy Rue Barbet de 25
Paris 75007
Frankreich

Telefon: LOKALE: (01) 4555.9598
4556.02 (01) :Fax: LOKALE
atn.paris@wanadoo.fr

سوئد:

Stockholm Tunisiens ambassad i
Narvavägen 32
Stockholm 11522
Schweden

Telefon: LOKALE: (08) 5458.5520
662.1975 (08) :Fax: LOKALE
at.stockholm@swipnet.se

هلند:

98 Gentsestraat
HX Den Haag 2587
Niederlande

Telefon: LOKALE: (070) 351.2251
351.4323 (070) :Fax: LOKALE
ambassadetunisie@wanadoo.nl

فنلاند:

Mundo Las Embajadas del
Liisankatu 14 B 31
Helsinki 00170
Finnland

Telefon: LOKALE: (09) 6803.9614
6803.9610 (09) :Fax: LOKALE
at.helsinki@kolumbus.fi

اتریش

Wien Tunesien Botschaft
DIRECCIÓN 187, Sieveringerstrasse

(Viena) Wien 1190

Austria

TELÉFONO LOCAL: (01) 440.2144

581.5592 (FAX LOCAL: (01

EMAIL at.vienne@aon.at

بریتانیا

in London Embassy of Tunisia

Princes Gate ,29

London SW7 1QG

United Kingdom

LOCAL: (020) 7584.8117 PHONE

FAX LOCAL: (020) 7584.3205

London@tunisianembassy.co.uk EMAIL

حمایت و همبستگی بین‌المللی با رضا شهابی و

کارگران زندانی

پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد - ایران:

فعالین اتحادیه‌ای را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید!

در روزهای اخیر جو ارباب و تهدید علیه فعالین اتحادیه‌ای در ایران تشدید پیدا کرده و تعدادی از این فعالین دستگیر و محکوم به زندان شده‌اند. بر متن این جو، مقامات قضایی قرون وسطایی‌ترین احکام از جمله حکم شلاق علیه فعال اتحادیه‌ای را صادر می‌کنند.



به گزارش کانون صنفی معلمان،

اسماعیل عبدی، دبیر این تشکل، در حین مرخصی پزشکی و پیش از پایان انجام معاینات پزشکی و مراقبت و درمان مقتضی در خانه خود، ربوده و به زندان برده شد.

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، رضا شهابی، عضو هیأت مدیره سندیکای این سندیکا، برای جلوگیری از ضبط ملک وثیقه‌گذار مجدداً زندانی شده است. علاوه بر اینکه دوران مرخصی پزشکی ایشان جزء ایام زندان محسوب نشده بلکه با پرونده سازی جدید ایشان به یکسال زندان دیگر نیز محکوم شده است.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران بر اساس دادنامه صادره از سوی شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ دادگستری شهرستان ساوه، شاپور احسانی راد، عضو هیأت مدیره این اتحادیه، بدلیل حمایت از مبارزه همکاران سابق خود با اتهام اخلال در نظم عمومی به تحمل شش ماه حبس با قرار تبدیل به ۹ میلیون تومان وجه نقد و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

این در حالی است که هنوز حکم زندان تعلیقی بسیاری از فعالین کارگری از جمله ابراهیم مددی و داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد لغو نشده است.

تعداد زیادی از فعالین اتحادیه‌ای به خاطر دفاع از ابتدایی‌ترین حقوق برسمیت شناخته شده بین‌المللی در زندان بسر می‌برند.

پیش از این نیز مسئولین سازمان سراسری کارگران سوئد، ال او، اتحادیه‌های کارگری ترانسپورت، فلز و کمونال سوئد ضمن اشاره به اینکه اقدامات علیه فعالین اتحادیه‌ای در ایران نشانه‌های بارز عدول کامل از احترام نهادهای قضایی ایران به پایه‌ای‌ترین مفاد حقوق بشر و سازمان بین‌المللی کار است، تشدید فشار علیه فعالین اتحادیه‌ای را محکوم کرده‌اند.

ما ضمن محکوم کردن صدور حکم قرون وسطایی شلاق و تشدید فشار علیه فعالین اتحادیه‌ای خواستار نکات زیر می‌باشیم:

- آزادی بی قید و شرط همه فعالین اتحادیه‌ای زندانی
- همه احکام علیه فعالین اتحادیه‌ای می‌بایست لغو گردند.
- ایران می‌بایست به همه مقاله‌نامه‌های پایه‌ای سازمان جهانی کار (آی.ال.او) احترام گذاشته و آنها را اجراء نماید.
- به رفتار بی‌رحمانه نسبت به فعالین سندیکایی و دگراندیشان باید پایان داده شود.

۱۴ آگوست ۲۰۱۷

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد- ایران

saied.tagavi@lotcosecreteriat.org

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا:

به اذیت و آزار رضا شهابی پایان دهید! رضا شهابی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد!

۲۳ آگوست ۲۰۱۷

رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران، حسن روحانی

موضوع: به اذیت و آزار رضا شهابی پایان دهید! رضا شهابی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد!

به نمایندگی از اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (کیوپی)، ما نگرانی جدی خود را در مورد رضا شهابی، عضو هیئت مدیره و خزانه‌دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که از تاریخ ۹ آگوست ۲۰۱۷ دوباره بازداشت شده است، اعلام می‌کنیم.

ما عمیقاً نگران ادامه این هدف قرارداد و حبس مجدد و ناعادلانه او، و تداوم اذیت و آزار و بازداشت فعالین کارگری در ایران هستیم. ما مطالبه بین‌المللی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و دیگر فعالین کارگری زندانی را دگر بار طرح می‌کنیم.

رضا شهابی در ماه ژوئن ۲۰۱۰ در حین رانندگی سر کار و در حضور مسافران اتوبوس به طور خشونت‌آمیز مورد حمله قرار گرفت و در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس شد. بعد از ۱۹ ماه حبس

در سلول انفرادی، به ۶ سال زندان، ممنوعیت از فعالیت سندیکایی به مدت ۵ سال و پرداخت هفت و نیم میلیون تومان جریمه نقدی توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محکوم شد. به دلیل فشار شدید جسمی و شکنجه در دوران بازجویی، آقای شهابی دچار آسیب دیدگی از ناحیه دیسک گردن و کمر شد و مجبور به دو عمل جراحی گردید. مدتی بعد، مرخصی پزشکی به توصیه پزشک قانونی به ایشان داده شد. لازم به ذکر است آقای شهابی در دوران حبس مجبور گردید که در چهار نوبت مجزا در اعتراض به عدم مراقبت‌های پزشکی لازم دست به اعتصاب غذا به زند. آقای شهابی در ژانویه ۲۰۱۵ دوباره دادگاهی شد و با اتهام «تبلیغ علیه نظام» - که مربوط به یورش نیروهای انتظامی به بند ۳۵۰ زندان بدنام اوین در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ بود - به یک سال دیگر حبس محکوم شد و این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز مورد تأیید قرار گرفت.

ما اطلاع یافته‌ایم آقای شهابی از زمانی که در ماه گوست دوباره زندانی شد، دست به اعتصاب غذا زده است. طبق گفته دادستانی، او باید تا ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸ در حبس به ماند. در عین حال، مقامات زندان به آقای شهابی گفته‌اند که تمام مدتی که او در مرخصی پزشکی بود رد شده است و غیبت محسوب می‌گردد، و او باید به مدت ۹۶۸ روز دیگر در زندان بماند.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، عمیقاً نگران تداوم هدف قراردادن رضا شهابی و حبس مجدد و ناعادلانه او و ادامه اذیت و آزار و بازداشت فعالین کارگری در ایران است. ما از خوست بین‌المللی برای آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و دیگر فعالین کارگری زندانی حمایت می‌کنیم. دولت ایران مسئول سلامتی و تندرستی رضا شهابی است.

با احترام

مارک هانکوک، ریاست کشوری

چارلیز فلوری، دبیر و خزانه‌دار کشوری

رونوشت به:

- شورای عالی حقوق بشر، قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران
- نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل
- دادستانی تهران،
- شرکت اتوبوسرانی تهران

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران. جهت اطلاعات بیشتر و دسترسی به اصل نامه به سایت انگلیسی اتحاد بین‌المللی مراجعه کنید.

در حمایت از مطالبات بازنشستگان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور با انتشار بیانیه‌ای از مطالبات تجمع اعتراضی بازنشستگان در برابر مجلس شورای اسلامی، حمایت کرده است. در بخشی از این بیانیه که مورخ ۲۷ مرداد ماه است، چنین آمده است:



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور همزمان با برگزاری تجمع بازنشستگان در برابر مجلس اسلامی، بیانیه‌ای در حمایت از خواست‌های آنها منتشر کرده است. به گزارش سایت «حقوق معلم و کارگر» متن این بیانیه به شرح زیر است:

".....ساله‌است که بازنشستگان کشور پیگیر احقاق حقوق خود از طرق مختلف اعم از رایزنی، امضای طومار، تجمع و... هستند، اما متأسفانه مسئولان نسبت به کسانی که جوانی خود را صرف آموزش و بالابردن آگاهی جامعه کرده‌اند، برخورد شایسته نداشته‌اند و وعده‌های کاربه‌دستان در حق این سرمایه‌های گرانقدر از حد شعارهایی زیبا، فراتر نرفته است. انتظار برخورداری از یک زندگی آرام و به دور از دغدغهی معیشتی، همراه با رعایت شأن و منزلت درخور، نه تنها خواسته‌ای فراقانونی نیست، بلکه جزو ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی است.

کسانی که امروز در زمره بازنشستگان جامعه هستند، همانانی‌اند که بهترین روزهای عمر خویش را در راه خدمت به مردم و کشور صرف کرده‌اند. و انتظاری جز این ندارند که در دوران سال‌خوردگی از آرامشی نسبی برخوردار باشند و بدون اندیشه‌ی «نان» زندگی کنند.

این مطالبات، خواسته‌های فراقانونی نیست و چنانچه قوانین مصوب موجود به درستی و به طور کامل و بدون تفسیر اجرا شوند، برآورده خواهند شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، همگام با جامعه بازنشستگان آموزش و پرورش، خواستار تحقق خواسته‌های این قشر فرهیخته به شرح زیر است:

۱. افزایش حداقل حقوق بالاتر از خط فقر
۲. اجرای ماده ۶۴ قانون مدیریت خدمات کشوری با توجه به تبصره‌های آن
۳. پرداخت مطالبات مربوط به ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری از سال ۱۳۸۶ تا کنون

۴. تعیین ردیف بودجه برای بیمه تکمیلی به میزان «یک سوم» از کل مبلغ بیمه تکمیلی
۵. پرداخت مطالبات رتبه‌بندی بازنشستگان بعد از سال ۱۳۸۸ که با دو رتبه پایین‌تر بازنشسته شده‌اند.
۶. گنجاندن موادی روشن و صریح در اصلاحیه و قانون دائمی مدیریت خدمات کشوری برای انجام پنج بند مذکور، برای تأمین منافع بازنشستگان و رهایی آنان از تنگناهای معیشتی.

متأسفانه رایزنی‌های مستمر بازنشستگان با دولت و مجلس، نتیجه‌ای به جز وعده‌های امروز و فردا نداشته و برای این قشر شریف در جهت رساندن صدای حق‌طلبی، چاره‌ای جز تجمع قانونی در قالب اصل ۲۷ قانون اساسی باقی نمانده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان کشور، حمایت قاطع خود را از خواسته‌های برحق بازنشستگان اعلام می‌دارد و از دولت دوازدهم انتظار دارد؛ مشکلات و معضلات پیشکسوتان را در اولویت کاری خود قرار دهد.

همچنین این شورا بر اساس فلسفه وجودی خود، برگزاری تجمعات قانونی و مدنی در حمایت از خواسته‌های پایمال شده ایشان را، حق خود می‌داند و امیدوار است که هیچ قشری از جامعه به ویژه بازنشستگان فرهنگی، برای رساندن صدای اعتراض خویش ناچار به تجمعات و اعتراضات قانونی نگردند.»

بزرگترین و عاجل‌ترین دغدغه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در طول قریب به چهاردهه از حاکمیت ننگین‌اش حمایت از سرمایه‌داران، دلالت و بورس‌بازان و رانتخواران... بوده است. نظام حاکم، نظامی تنزیل‌خوار، دزد و فاسد و مافیایی است که تنها زمانی حاضر به عقب‌نشینی خواهد شد که با صف متحد ارودی کار و زحمت رو به رو گردد. تنها در این صورت است که می‌توان بخشی از حقوق پایمال شده زحمتکشان را از حلقوم این زالوصفتان بیرون کشید. تجمع اعتراضی بازنشستگان در مقابل مجلس و حمایت تشکل‌های صنفی فرهنگیان از آنها نویدبخش است و تداوم این مبارزات و صفوف متحد همه کارگران و فرهنگیان و روشنفکران آگاه و پیشرو جامعه ضامن پیروزی‌های فردای این پیکار طبقاتی خواهد بود. به امید پیروزی مبارزه بازنشستگان و همه زحمتکشان ایران.

شلاق سرمایه بر پیکر کارگر بی پاسخ نخواهد ماند!

اخیراً بیش از صد نفر از کارگران و معلمین کشور در نامه‌ی سرگشاده‌ای صدور حکم شنیع شلاق علیه شاپور احسانی راد و تحمیل اعتصاب غذا به رضا شهابی را قویاً محکوم کرده‌اند.



دستگاه قضایی حکومت منفور و

سرکوب‌گر جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به صدور حکم بربرمنشانه «شلاق» و زندان علیه کارگران مبارز که برای مطالبات اولیه خود و همکارانشان به اعتراض دست می‌زنند، مبادرت ورزیده است. این بار در حالی که در شهرهای مختلف ایران، کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... در اشکال مختلف برای کسب حقوق طبیعی خود به اعتصاب و تجمعات اعتراضی آرام و مسالمت‌آمیز اقدام کرده‌اند، دستگاه قضایی برای زهر چشم گرفتن و ایجاد رعب و وحشت، حکم ضد انسانی «شلاق» را علیه «شاپور احسانی راد»، عضو هیئت مدیره «اتحادیه آزاد کارگران ایران»، صادر کرد. جمهوری نکبت اسلامی که در طی چهل سال نه‌خواسته است قانون کار مدوئی تصویب کند، در مقابل کارگران و دیگر زحمتکشانشان به احکام ارتجاعی، قرون وسطایی و غیرانسانی متوسل می‌شود، تا زحمتکشانشان ایران را مرعوب و ساکت سازد. سیاستهای نئولیبرالیستی حاکمان خلافت اسلامی برای اجرای اوامر «بانک جهانی» و «سازمان تجارت جهانی» نیاز به «سکوت گورستانی» دارد.

کارگران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان و ... ماه‌ها حقوق و مزایای مختلف خود را که برای یک زندگی ساده «بخور و نمیر» زیر «خط فقر» نیز کافی نمی‌باشد، دریافت نکرده‌اند و این در حالی است که مدیران و مسئولان و سرمایه‌داران در جهنم جمهوری اسلامی، برای خود بهشتی در روی زمین ساخته‌اند.

مردم به درستی شعار سرمایه‌دهندگان که «یک اختلاس کمتر بشه ... مشکل ما حل میشه» ولی نیروی انتظامی و دستگاه قضایی پاسخ مطالبات بر حق مردم را با گلوله و گاز اشک‌آور، زندان و باتوم، شکنجه و شلاق می‌دهند. زیرا سیاست‌های خصوصی‌سازی دیکته شده از طرف نهادهای امپریالیستی، می‌بایست بر علیه مردم ایران پیاده شود تا امنیت «سرمایه» تأمین گردد.

دستان خونریز سرمایه‌داران نئولیبرال از آستین رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی بیرون می‌آید و به تجمع کارگران و خانواده آنان وحشیانه حمله می‌برد و کارگران شریف و معترض را دستگیر و به زندان می‌اندازد، وقیحانه برپیکرشان شلاق می‌زند تا آنان را به سکوت و بردگی وادارد. سندی‌کاهای کارگری هر یک به سهم و توان خود، پرچم مبارزه با شلاق و بی‌حقوق را برافراشتند

و با محکومیت حکم شلاق همبستگی خود را با شاپور احسانی راد ابراز داشتند. در همین رابطه سندیکای نقاشان استان البرز با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۹ حکم شلاق و ظلم و زور و زندان و شکنجه علیه کارگران را محکوم کرده و چنین نوشتند:

« ما کارگران به زندگی زیر خط فقر اعتراض داریم. به محروم بودن از پایه‌ای‌ترین بیمه‌های اجتماعی چون بیمه بیکاری، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای فرزندانمان اعتراض داریم. ما حق اشتغال داریم. ما حق داشتن یک زندگی شایسته انسان را داریم. ما خواهان برقراری و برسمیت شناخته شدن کلیه این حقوق هستیم، دستگیری، محاکمه و زندانی کردن و شلاق زدن و جریمه کردن کارگران و معلمان و مردم معترض را که به خاطر مبارزه برای همین خواست‌ها و تحت عناوین امنیتی دستگیر و زندانی می‌شوند، محکوم می‌کنیم. بار دیگر تأکید می‌کنیم؛ ما خواستار لغو حکم شلاق علیه شاپور احسانی راد و آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و دیگر کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی هستیم. به محاکمه فعالین پایان دهید.» این همبستگی‌ها نویدبخش است و کارگران ایران در صفوف به هم فشرده و در تشکیلات‌های صنفی خود به مبارزه ادامه خواهند داد و تا رسیدن به تمامی خواسته‌های برحق خود از پای نخواهند نشست.

تنها با بسیج نیرو و اعتراضات بهم فشرده سراسری است که می‌توان رژیم جمهوری اسلامی را، رژیمی که تلاش دارد مطلوب‌ترین شرایط غارت و استثمار را برای سرمایه‌های امپریالیستی فراهم آورد، وادار به عقب‌نشینی کرد. کارگران و زحمتکشان ایران در نهایت برای رهایی از شلاق بورژوازی راهی جز این ندارند که مبارزات صنفی خود را به مبارزه سیاسی گره زده و تحت رهبری حزب طبقه کارگر، حزب مارکسیست - لنینیست بساط سرمایه‌داران را برچینند و سوسیالیسم را برقرار سازند. این تنها راه رهایی کارگران ایران و جهان از قید ظلمت نظام سرمایه‌داری است.

شلاق سرمایه

در هوا می چرخد
و زوزه کشان بر پشتم می نشیند
یک، دو، سه، ... سی
زیرا مزد خود
طلب کردم
کفتاران صدا در گلو می اندازند
و فریاد کشان ندا سر می دهند
الله اکبر

رضایت قضات
لبخند صاحب کاران
و خشم کارگران

.

.

در هوا می چرخد
و زوزه کشان بر پشت همزمم می نشیند
یک، دو، سه، ... سی.

خشممان به بار خواهد نشست

روزی

و بر شلاق سرمایه پیروز خواهیم گشت

همزمان به صف!

یک دو سه

کلیه‌فروشی دسته جمعی کارگران دست‌آورد رژیم تبهکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است

گزارش زیر در تارنمای ایلنا، شنبه ۵ شهریور ماه درج گردید. این گزارش همانقدر تکان‌دهنده و نفرت‌انگیز است که خبر حیرت‌آور قبرخوابی هموطنان محروم ما در گورستان‌ها که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های



داخلی، بویژه در عرصه مجازی داشت. سالهاست فروش کلیه در بازار برای امرار معاش به پدیده‌ای طبیعی بدل شده است. همان‌طور که تن‌فروشی برای بقاء و تأمین معاش و مسکن و دارو نیز گسترش یافته و امر پنهانی در جامعه نیست. در جامعه‌ای که نود درصد ثروت در دست کمتر از ده درصد اهالی انباشت شده است و کارگران با مشکل حقوق معوقه سروکار دارند و حقوق صنفی‌شان به شدت سرکوب می‌شود و پاسخ نان و مسکن، زندان و شکنجه و مرگ است، کلیه‌فروشی دسته جمعی نیز بخش لاینفک از چنین سیاست تبهکارانه است و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی همگی مسبب این فقر و فلاکت اجتماعی‌اند.

آگهی دسته جمعی فروش کلیه با یک واکنش عمومی مواجه شد و رسانه‌های داخلی نیز مجبور به انعکاس آن گردیدند و حتا در این مورد گزارشاتی منتشر گردید. گزارش زیر پیرامون کلیه‌فروشی دسته جمعی در تارنمای ایلنا منتشر شد که خلاصه‌ای از آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«...در سالها و ماه‌های گذشته کم نبوده است؛ شیوه‌های بسیاری برای بیان این اعتراضات به کار گرفته شده است؛ از چادرزدن مقابل کارخانه‌ها و شرکت‌ها گرفته، تا سفره خالی پهن کردن و نمایش فقری که سبب معاش کارگران را تهی کرده است؛ اما این، اولین بار است که می‌بینیم کارگران به صورت دسته‌جمعی کلیه‌هایشان را برای فروش گذاشته‌اند.

همه چیز از یک عکس شروع شد؛ از تصویری که در فضای مجازی دست به دست چرخید و به دست رسانه‌ها رسید؛ تصویری از فلاکتی مکرر و تکراری که شاید سالهاست به دیدنش عادت کرده‌ایم؛ فلاکتی که روی دیوارهای ناصر خسرو و خیابان گمرک پُر است؛ روی تابلوهای اعلانات بیمارستان‌ها می‌بینیمش و این روزها در فضای مجازی هم دیده می‌شود: آگهی فروش کلیه...

اما تصویری که در روزهای اخیر در فضای مجازی منتشر شد، با قبلی‌ها تفاوت بسیار دارد؛ این بار آگهی، یک آگهی بی نام و نشان فروش کلیه نیست که به فرد نیازمند و به احتمال زیاد بیکار و

بیماری تعلق داشته باشد؛ این بار آگهی، به رانده‌شدگان از اجتماع تعلق ندارد؛ این دفعه آگهی فروش کلیه، متعلق به یک گروه کارگر است؛ کارگرانی که اعلام کرده‌اند دسته‌جمعی حاضرند کلیه‌هایشان را بفروشند تا مخارج زندگیشان را تأمین کنند؛ در پایین آگهی، شماره تماس کارگران هم آمده است.

روز پنجشنبه دوم شهریور ماه ۹۶، کسانی که در مسیر کارخانه مس چهارگنبد سیرجان تردد کردند، با بزرگی که سردر مجتمع نصب شده بود، مواجه شدند، بنری حاوی آگهی فروش کلیه کارگران. هشتاد کیلومتر از شمال شرق سیرجان به سمت منطقه چهارگنبد که پیش برویم، به یک مجتمع مس می‌رسیم؛ مجتمع مس چهارگنبد. آگهی، متعلق به کارگران این مجتمع است و متن آن، بسیار ساده است: به دلیل فقر مالی، تعدادی از کارکنان مجتمع مس چهارگنبد، کلیه خود را به فروش می‌رسانند. این جمله‌ی ساده، از یک طرف، باعث تعجب می‌شود و از طرف دیگر، از یأس و درماندگی کارگرانی حکایت دارد که می‌گویند از شرایط شغلی خود به هیچ وجه راضی نیستند.

مس چهارگنبد، کارخانه‌ای است که در زمستان ۱۳۸۲ تأسیس شده و سالهاست فرآوری مس را برعهده دارد؛ در سالهای اولیه معدن به صورت رو باز استخراج می‌شده اما در حال حاضر عمر معدن رو باز به اتمام رسیده و استخراج به روش زیرزمینی آغاز شده است. این کارخانه در حال حاضر به بخش خصوصی متعلق است و حدود سیصد کارگر دارد.

دستِ آخر به اینجا رسیدیم که نان شب هم نداریم

رمضان شهنسوازی، رئیس شورای اسلامی کار این کارخانه است؛ او از شرایط کارخانه انتقادهای بسیار دارد؛ می‌گوید: حقوق تیر و مرداد را نگرفته‌ایم؛ از قبل هم مزایا طلبکاریم؛ همین شد که در روزهای پایانی هفته گذشته، تجمع کردیم. آخر، ما مثل مجتمع‌های مس دیگر استان کرمان نیستیم؛ عایدیمان کم است؛ دستمزدهامان خیلی پایین است؛ همان حداقل دستمزد اداره کار را می‌گیریم؛ حالا حساب کنید همین حداقل مزد بخور نمیر را هم بخواهند دو-سه ماه یکبار بدهند؛ دیگر برای کارگر چه می‌ماند؟

رضانی از دو سال گذشته به عنوان دوران افول شرایط شغلی کارگران مس چهارگنبد یاد می‌کند و می‌گوید: در دو سال گذشته از مزایای شغلی ما کم کردند؛ یعنی نرم نرمک، کم کردند تا ما به اینجا رسیدیم؛ اول اضافه‌کارها را کم کردند؛ ده ساعت را مثلاً کردند پنج ساعت؛ بعد گروه‌های شغلی را کاهش دادند تا حقوق‌ها کم شود تا دستِ آخر به اینجا رسیدیم که نان شب هم نداریم.

از شهنسوازی جریان آگهی فروش کلیه را می‌پرسم؛ می‌گوید: تعدادی از بچه‌ها مستأجرند؛ بدهکاری دارند؛ وقتی حقوق می‌گرفتند، نمی‌توانستند زندگیشان را به چرخانند، حالا که دو ماه است بی پول هستند؛ در این شرایط، تصمیم گرفتند شماره موبایل بدهند که کلیه‌هایشان را به فروشند. آگهی کردند و زدند سردر شرکت و بعد هم آمدند مردم، عکس برداشتند و این شد که همه فهمیدند کارگران چهارگنبد حاضرند کلیه‌هایشان را بفروشند تا زندگی کنند.

شهسواری از جانب سیصد کارگر این مجتمع می‌گوید: اگر این اتفاقاتی که افتاده باعث شود مسئولان به اوضاع این مجتمع رسیدگی کنند، شاید، در، از این به بعد بر پاشنه دیگری به چرخد، کسی چه می‌داند؟ شاید تغییر مثبتی پیش آمد؛ البته زیاد هم به بهبود اوضاع امیدوار نیستم.

آگهی، طنز است؛ جدی نیست

حامد هادیان، رئیس اداره کار شهرستان سیرجان، در ارتباط با آگهی فروش کلیه و کارگران مجتمع مس چهارگنبد می‌گوید: این آگهی، سردرِ شرکت نصب شده اما حالتِ طنز دارد؛ جدی نیست؛ ماه ۵ که تازه تمام شده، می‌ماند همان تیرماه، کجای دنیا کارگری که یک ماه حقوق نگرفته، کلیه‌اش را برای فروش می‌گذارد؛ کارگران با نصب این آگهی خواسته‌اند شوخی کنند.

هادیان می‌گوید: روزهای پایانی هفته گذشته، کارگران مس چهارگنبد دست از کار کشیدند و اعتراض کردند؛ اولین بار هم بود که اعتراض می‌کردند؛ دستمزدشان را می‌خواهند که کاملاً به حق است. اما موضوع آگهی چندان جدیت ندارد؛ یعنی کارگران واقعا نمی‌خواسته‌اند که کلیه‌هایشان را بفروشند.

از رئیس اداره کار شهرستان سیرجان می‌پرسم چه اقداماتی می‌خواهید در مورد کارگران این مجتمع انجام دهید؛ کارگران ناراضی‌اند، می‌گویند مزایای مان کم شده؛ از سر و ته همین حداقل دستمزد می‌زنند و هزار گلایه دیگر دارند؛ هادیان می‌گوید: بعد از این جریانات، بازرس فرستاده‌ایم، اوضاع مجتمع را بررسی کنند. نتیجه بازرسی به زودی مشخص می‌شود.

انواع اعتراضات کارگری و تلاش برای مطالبه حقوق قانونی، در سالها و ماه‌های گذشته کم نبوده است؛ شیوه‌های بسیاری برای بیان این اعتراضات به کار گرفته شده‌است؛ از چادر زدن مقابل کارخانه‌ها و شرکت‌ها گرفته تا سفره خالی پهن کردن و نمایش فقری که سبد معاش کارگران را تهی کرده است؛ اما این، اولین بار است که می‌بینیم کارگران به صورت دسته‌جمعی کلیه‌هایشان را برای فروش گذاشته‌اند؛ شاید این حرکت همانطور که رئیس اداره کار می‌گوید، بیشتر نمادین باشد تا واقعی؛ اما هرچه باشد، باز هم دردناک است.

در مرز و بومی که خیلی از تکیه زندگان بر مسند قدرت، به ظاهر معتقدند و بارها هم این اعتقاد را همه جا تکرار کرده‌اند که مزد کارگر را بایستی پیش از آن که عرق جبینش خشک شود، پرداخت، هستند کارگرانی که به زحمت با حداقل دستمزد، سر و ته زندگی را جمع می‌کنند و همان حداقل مزد را هم به موقع نمی‌گیرند»

تهدیدات جنون آمیز و سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا علیه کره شمالی محکوم است

در روزهای اخیر تنش میان آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره شدت یافته است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور چاقوکش و وحشی ایالات متحده آمریکا کشور کره را تهدید به بمباران و تجاوز نظامی کرده است:



«کره شمالی بهتر است که دیگر

ایالات متحده را تهدید نکند. آنها با آتش و غضبی مواجه خواهند شد که دنیا تا کنون به خود ندیده است و صراحتاً بگویم قدرت، قدرتی که مشابهش را دنیا قبلاً ندیده است»

این عریبه کشی‌ها با محمل و بهانه این که کره شمالی به آزمایش موشک‌های قاره پیمای دست زده است، مجدداً آغاز شده است. امپریالیسم آمریکا با قلدری و درنده خوبی که درسش اوست، خلق کره را با بمب اتمی تهدید کرده و برای به زانو درآوردن این کشور که به زیر بار زورگوئی‌های این ابرجنایت‌کار نمی‌رود، از هیچ دروغ و ریاکاری دریغ نمی‌کند. حزب کار ایران (توفان) دفاع جمهوری دموکراتیک خلق کره را از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اش مشروع و عادلانه می‌داند و از آن دفاع می‌کند.

یکم اینکه امپریالیسم آمریکا همراه با متحدان کانادائی، انگلیسی، استرالیائی و... قریب به ۶۶ سال است که به جنایاتی در کره برای نابودی استقلال کشور کره متوسل شد که در تاریخ بی‌سابقه است. در اثر حملات وحشیانه آمریکا بین ۳ تا ۴ میلیون کره‌ای قتل عام شدند. بخش بزرگی از شهرها و روستاهای کره در آتش پرتاب بمب‌های ناپالم و سلاح‌های مخرب شیمیایی و میکروبی سوختند و به خاکستر تبدیل شدند. ورود کمونیست‌های داوطلب چینی در متن مبارزه انترناسیونالیستی و کمک برادرانه آنها به امر استقلال ملی کره، ارتش آمریکا را به عقب‌نشینی بازداشت که تا امروز حاضر نشده است به قرارداد صلح با کره شمالی تن در دهد، و خاک کشور کره جنوبی را که بخشی از سرزمین آزاد شده کره است، ترک کند و اجازه دهد که مردم کره خودشان در مورد سرنوشت‌شان تصمیم بگیرند. سیاست امپریالیسم آمریکا در کره سیاست جنگ افروزی و تحریک و نقض همه شرایط آتش‌بس و ریاکاری و استعماری است. آنها این سیاست تحریک‌آمیز نظامی و جاسوسی و خرابکارانه را تا به امروز نیز ادامه می‌دهند و کوهی از تبلیغات دروغ و ریاکاری چاشنی آن می‌کنند. جنگ آمریکا علیه کره بیش از ۶۶ سال پیش آغاز شد و موافقت‌نامه آتش‌بس در سال ۱۹۵۳ هرگز به یک توافق صلح دائمی نینجامیده است.

دوم اینکه جمهوری دمکراتیک خلق کره خطری برای صلح جهانی نبوده و نیست و تاکنون به هیچ کشوری تجاوز نکرده است. این را همه کس دانسته است که کره شمالی به خاطر حفظ استقلالش مجبور گشته است در مقابل محاصره نظامی و اتمی آمریکا و به منظور دفاع از موجودیت خود به تقویت نیروی نظامی و تولید و توسعه سلاح بازدارنده و چند کلاهک اتمی مبادرت ورزد. این اقدامات نظامی که جنبه تدافعی دارند، در مقابل کشوری صورت می‌گیرد که بزرگترین نیروی نظامی و اتمی جهان محسوب میشود. ابر قدرت آمریکا بیش از ۶۰ سال است که با مستقرکردن بیش از ۴۰۰۰۰ نیروی نظامی و انواع و اقسام سلاح‌های مرگبار اتمی در خاک کره جنوبی مدام به تهدید و تحریک کره شمالی پرداخته و از هیچ دروغ و ریاکاری برای شستشوی مغزی افکار عمومی دریغ نمی‌کند و کشور کوچک کره شمالی را با محمل «یاغی و دیکتاتوری و خطری برای صلح جهانی» که نه اهل مذاکره است و نه گفتگو و نه صلح محکوم می‌کند.

سوم اینکه جمهوری دمکراتیک خلق کره طبق روزنامه وال استریت ژورنال، در شرایط کنونی دارای ۱۰ تا ۱۶ کلاهک اتمی است. درحالی که آمریکا صاحب ۸۰۰۰ کلاهک اتمی و ۷۳۷ پایگاه نظامی در ۱۳۰ کشور خارجی در جهان است. سایر ممالک امپریالیستی نظیر فرانسه و چین و روسیه نیز دارای صدها کلاهک اتمی‌اند و از این روی حق ندارند کشور کره و هر کشور دیگری که تحت محاصره نظامی و اقتصادی هستند را از حق داشتن سلاح اتمی منع و یا آن را محکوم کنند و به تأیید سیاست جنگ افروزانه ابر جنایتکار امپریالیسم آمریکا به پردازند.

هر ۱۵ عضو شورای امنیت، از جمله چین و روسیه، بی‌شرمانه به قطعنامه اخیر سازمان ملل علیه کره شمالی رأی مثبت داده‌اند. درحالی که کره شمالی با توجه به توان نظامی‌اش نه تنها خطری برای صلح منطقه و جهان نیست، بلکه برای صلح و ثبات منطقه و یکی‌شدن خلق کره همواره کوشیده است و لذا دفاع‌اش در مقابل زورگویی‌های نظامی امپریالیسم آمریکا، مشروع و عادلانه و صلح‌جویانه است و جز این نیست.

چهارم اینکه تمام صلح‌دوستان و نیروهای ترقی خواه جهان باید از سیاست خلع سلاح اتمی و نابودی سلاح کشتارجمعی دفاع کنند و طبیعتاً چنین امری باید از آمریکا بعنوان خطرناک‌ترین کشور جهان که تاکنون این سلاح‌های مخرب و ضدانسانی را در ژاپن به کار برده و هم اکنون نیز کشورها و امنیت جهان را با تهدید اتمی به خطر انداخته است، آغاز گردد. نباید فراموش کرد که اگر کره شمالی دست به تولید و توسعه همین تعداد کلاهک اتمی هم نمی‌زد، امروز سرنوشت‌اش بهتر از عراق و لیبی نبود. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و سپس تحمیل برجام در قالب ۵ بعلاوه ۱ بر ایران، تحریم‌های مشابه علیه سوریه و ونزئولا و کوبا و سایر کشورها نیز از همین جنس‌اند و باید محکوم گردند. جمهوری دمکراتیک خلق کره نمی‌خواهد به سرنوشت غم‌انگیز کشورهایمانند لیبی، افغانستان و عراق و سوریه و یمن ... گرفتار شود و از همین روی تسلیم قلداری آمریکا نمی‌شود.

حزب کار ایران (توفان) ضمن ابراز همبستگی با خلق کره، خلقی که تحت محاصره نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا قرار دارد و هر روز تهدید به تجاوز بربرمنشانه می‌شود، عریده کشی‌های امپریالیسم آمریکا را شدیداً محکوم می‌کند و از همگان می‌خواهد تهدیدات نظامی علیه خلق کره را محکوم کنند.

کره، سرزمین اشغالی است، ارتش امپریالیسم آمریکا در این کشور حضور دارد و بیش از ۶۰ سال است که فقط آتش‌بس موقت در کره اجراء می‌شود و قرارداد صلحی وجود ندارد. امپریالیسم آمریکا باید به اشغال کره خاتمه دهد و خاک کره را بدون قید و شرط ترک کند. بدون خروج بی قید و شرط ارتش متجاوز آمریکا از خاک کره، جهان رنگ صلح و آرامش در این منطقه به خود نخواهد دید و همواره خطر جنگ وجود خواهد داشت.

دست امپریالیسم جنایتکار آمریکا از جمهوری دمکراتیک خلق کره کوتاه بود!

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ مرداد ماه ۱۹۹۶

به مناسبت بیست و نهمین سالگرد قتل عام زندانیان

سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷

بیست و نهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی را پشت سر می‌گذاریم. در تابستان و شهریور ۶۷، رژیم بربرمنش جمهوری اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی، که پس از هشت سال جنگ خانمان سوز مجبور به سرکشیدن جام زهر گردید و رسماً شکست را پذیرفت، برای ارباب مردم میهن و تثبیت حاکمیت قرون وسطایی خویش، عفریت مرگ را بر بالای سر زندانیان به پرواز درآورد و با بیرحمی و شقاوتی غیرقابل توصیف هزاران انسان پر امید را در بی‌دادگاه اسلامی تیرباران و یا به دار آویخت. حمام خونی به پا داشت که در تاریخ معاصر ایران کم نظیر است. رژیم اسلامی بقای منحوس خویش را در پاکسازی زندان‌ها از زندانیان سیاسی و سرکوب و ارباب جامعه می‌دید و چنگال خونین خویش را بر گلوی مخالفین و همه آزادی‌خواهان فرو برد. خمینی خون آشام صریحاً فرمان داد:

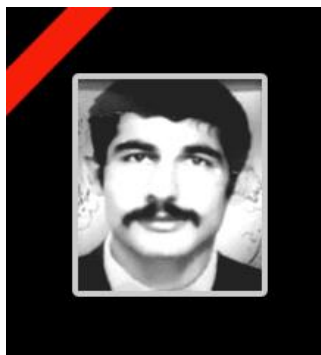
«در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریع‌تر انجام گردد همان مورد نظر است.» (نقل از جواب به سؤال پسر خمینی)

در این کشتار شوم، رفقا مهدی مهرعلیان (هاشم)، حجت‌آلیان (کیومرث)، فرهاد مهری پاشاکی از اعضای حزب کار ایران (توفان) نیز هم چون خیل عظیمی از مبارزین دیگر به شهادت رسیدند. این رفقا جان تسلیم کردند، اما تسلیم نشدند. خاوران، سند جنایت تمامی دست‌اندرکاران نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است و دستشان به خون آزادی‌خواهان آغشته است. مردم مصیبت دیده ایران مسبب قتل عام زندانیان سیاسی تابستان و شهریور ۶۷، کشتار و سربه‌نیست کردن مبارزین آزادی‌خواه را از آغاز روی کار آمدن ارتجاع اسلامی، چه در کردستان، چه در دانشگاه‌های ایران، چه در ترکمن صحرا و... هرگز نخواهند بخشید و برای محاکمه عاملین این جنایات در دادگاه خلق بی‌تابی می‌کنند.

در بیست و نهمین سالگرد فاجعه تابستان و شهریور ۶۷ یاد همه جانباختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی را گرامی بداریم و آن را به سلاحی برای تشدید مبارزه و افشای بی‌امان رژیم اراذل و اوباش جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. در زیر نامه خمینی جلاد که صریحاً فرمان قتل عام زندانیان در بند را صادر کرده بود، ملاحظه فرمائید، تا پی ببرید که «اصلاح طلبان» امروزی که مدعی آزادیخواهی‌اند، در آن زمان چه نقش کثیف و ضدبشری ایفا کردند و با امام جنایتکارشان چه خون‌ها که نه ریختند. ننگشان باد!

یادی از رفیق حجت آلیان (کیومرث)

« میخوامم یادی از عزیزی بکنم که از نیمه‌های شب با دیدن پیامی از رفیقی ره‌ایم نمی‌کند. در اینجا قسمتی از خاطرات دوست عزیز همایون ایوانی که خود از جان‌بدربرندگان این واقع است را قید میکنم :



« در مرداد ماه ملاقات‌ها قطع شده بود. پس از یک ماه در اوایل شهریور با خبر شدیم که در حال «دارزدن» زندانیان اوین هستند. ولی چون خبر از طریق مورس رسیده و از چند بند

گذشته بود؛ منبع خبر را نمی‌توانستیم شناسایی کنیم و ضربی از اشتباه را در انتقال خبر گذاشته بودیم. خبر تظاهرات خانواده‌ها که در پی قطع ملاقات، خواستار روشن شدن وضعیت فرزندان و یا همسرانشان بودند، به ما رسیده بود. روش جدید قتل عام، دارزدن بود و نمی‌شد مانند سال ۱۳۶۰ از طریق شمردن تیرهای خلاص، به تعداد اعدامی‌ها پی‌برد. زندانیان بی‌سر و صدا، گروه، گروه به دار آویخته می‌شدند. بی‌آنکه سایر زندانیان در فاصله نزدیک به محل اعدام از این موضوع با خبر شوند. باورکردنی نبود که نزدیک‌ترین دوستان و عزیزترین کسانت، در فاصله چند ده متری سلول خودت، حلق‌آویز شده و دارد دست و پا می‌زند و آخوندها و پاسداران به عربده‌های مستانه مشغولند. چنین جنون و کین‌توزی، هرگز در مخیله هیچ آدم سالمی نمی‌گنجد؛ اما جمهوری اسلامی چیز دیگریست»

آری در مخیله هیچ انسانی نمی‌گنجد؛ و حجت (کیومرث) آلیان یکی از این عزیزان بود که سر به دار شد. یادش گرامی باد <http://www.bidaran.net/spip.php?breve406>

اختر فاضلی

در افشای این جنایت و تجلیل از مبارزات خستگی ناپذیر رفیق حجت آلیان (کیومرث) اطلاعیه دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان) را که در آبان ماه ۱۳۶۷ منتشر گردید، باردیگر انتشار می‌دهیم و یاد این رفیق گرانقدر و همه رفقا و جانبازگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم. «رفیق حجت آلیان (کیومرث) کمونیست برجسته و خستگی‌ناپذیر آرمان طبقه کارگر به دست جلادان رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی شهید گردید.

رفیق حجت در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر چالوس به دنیا آمد و از همان کودکی با ستم و بهره‌کشی جامعه طبقاتی آشنا گردید. به خاطر علاقه شدید به آموختن در حین کارکردن به تحصیل پرداخت و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. رفیق

کیومرث مدت کوتاهی بعد از ورود به شهر تور در فرانسه چهره محبوب ایرانیان مقیم این شهر شد. در همان اوان با سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان آشنا گردید و از آن لحظه به بعد تمام توانایی و شور انقلابی خود را در درون سازمان توفان و سپس حزب کار ایران در خدمت به آرمان طبقه خود نهاد. تا پیش از انقلاب بهمن ماه ۵۷ یکی از فعالین کنفدراسیون در صفوف فدراسیون فرانسه بود و در آستانه انقلاب به یاران حزبی خود در ایران پیوست. رفیق «کیو» پس از بازگشت به ایران در شهر زادگاهش چالوس به گسترش هسته‌های حزبی پرداخت و از آنجایی که در میان مردم شهر از محبوبیت خاصی برخوردار بود، از همان آغاز خشم و کینه ارتجاعیون مذهبی را متوجه خود ساخت. بارها مورد حمله اوباشان اسلامی قرار گرفت و عاقبت هنگامی که اقامت در چالوس برایش خطری جدی به همراه داشت، به دستور حزب به زندگی مخفی در تهران ادامه داد، تا اینکه در سال ۶۲ هنگام گذشتن از خیابانی در تهران بطور تصادفی شناسایی و دستگیر شد. «رفیق کیو» آن گونه که شایسته کمونیست‌هاست در سیاه‌چاله‌های جمهوری اسلامی به آرمان‌های طبقاتی خود وفادار ماند و علیرغم شکنجه‌های فراوان اسرار تشکیلاتی و ماهیت فعالیت‌های خود را پنهان داشت. در زندان رفیق «کیو» نمونه یک کمونیست در بند بود، روحیه شاد و سرزنده و امید همیشگی او به آینده تابناک زحمتکشان الهام‌بخش همه زندانیانی می‌شد که با این رفیق روبرو می‌گردیدند. رژیم جنگ و جنایت جمهوری اسلامی این لکه ننگ تاریخ‌بشری، بعد از شکست فصاحت بار در جبهه‌های جنگ و بی‌آبروشدن بیشتر در افکار عمومی داخلی و خارجی، از روی عجز و درماندگی هجوم بربرمنشانه‌ای را به تلافی این شکست علیه زندانیان سیاسی در بند آغاز کرد، تا بلکه به تواند وجود منحوس و فاشیستی خود را چند صباحی بیشتر حفظ کند. رفیق حجت آلیان نیز از جمله رفقای بود که در این یورش رژیم، اوایل آذر ماه در زندان اوین تیرباران شد. رژیم خمینی به عبث می‌پندارد که با جاری‌ساختن حمام خون در زندان‌ها و شدت‌بخشیدن به سرکوب توده مردم، خواهد توانست رژیم معتفن اسلامی را از سرنگونی نزدیک نجات دهد. اما جنایتکاران اسلامی باید بدانند که با اعدام و ترور و شکنجه و مختنق کردن فضای جامعه، تنفر و خشم عمیق توده‌ها را نسبت به خود صد چندان کرده‌اند و هم اکنون زحمتکشان میهن ما برای فرارسیدن روز موعود و تسویه حساب بیتابی می‌کنند. در پیکار بزرگ برای رسیدن به جامعه‌ای بدون ستم و بهره‌کشی و برای تحقق‌بخشیدن به والاترین آرمان بشریت، یعنی سوسیالیسم و کمونیسم، رفیق «کیومرث» نیز همچون خیل عظیمی از رفقای دیگر در میان ما نیست. ولی یاد و زندگی پربار او و همه رفقای شهید برای همیشه الهام بخش کمونیست‌هایی خواهد بود که جز خدمت به منافع طبقه کارگر هدف و وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند.

یاد رفیق «کیومرث» گرامی و جاودان باد!

گرامی باد خاطره جانباختگان تابستان و شهریور ۶۷. سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران

زننده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت

حزب کار ایران (توفان) شهریورماه ۱۳۹۶

نامه به احزاب کمونیست (م ل) متشکل در کنفرانس بین‌المللی و تشکلات مستقل سندیکایی و نهادهای دمکراتیک و مترقی

To: The Fraternal Marxist-Leninist Parties and Organisations, democratic, progressive, labour organisations, and freedom loving people

رضا شهابی، عضو رهبری سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، در اعتصاب غذا به سر می‌برد، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او و همه زندانیان سیاسی شویم

رفقای گرامی:

طبق گزارشات رسیده، رضا شهابی، کارگر زندانی عضو سندیکای واحد، بیش از ۱۰ روز است که در اعتصاب غذا بسر می‌برد. این کارگر مبارز و عدالت‌خواه، چهارشنبه هجده مرداد ماه از بدو ورود به زندان



رجایی شهر، پس از این که واحد اجرای احکام زندان به ایشان ابلاغ کرد که کلیه مرخصی‌های پزشکی‌اش غیبت محسوب شده و محکومیت زندان وی ۹۶۸ روز ادامه می‌یابد، در اعتراض به این اقدام غیرقانونی و سرکوب‌گرانه، اعتصاب غذایش را آغاز کرده است. خواسته رضا شهابی با توجه به اتمام پایان دوره محکومیت، آزادی بی قید و شرط از زندان می‌باشد. به دلیل عدم دسترسی به تلفن تا ملاقات روز چهارشنبه ۲۵ مرداد برابر با شانزده اوت خانواده و سندیکا از اعتصاب غذای ایشان بی اطلاع بوده است.

این کارگر زندانی به دلیل صدمات جسمی ناشی از برخورد خشن مأموران امنیتی در حین دستگیری و بازجویی در دو مرحله تحت عمل جراحی از ناحیه گردن و کمر قرار گرفت. و به دلیل عدم تحمل حبس، مرخصی پزشکی ایشان از سوی پزشکی قانونی مرحله به مرحله تا پایان حبس مورد تأیید قرار گرفت. با این وجود دادستانی با سوءاستفاده از وثیقه‌ای که پیشتر برای آمدن به مرخصی از ایشان گرفته بود، به بهانه باقی ماندن سه ماه از محکومیت حبس با تهدید به ضبط ملک وثیقه‌گذار شهابی را به زندان فراخواند. اقدام غیرقانونی دادستانی در فراخواندن شهابی به

زندان در حالی صورت گرفته است که وی پس از ورود به زندان نامه آزادی‌اش به تاریخ ۲۴/۶/۹۴ را در پرونده دیده است. افزایش فشار بر این کارگر زندانی تا جایی پیش رفته که اجرای احکام زندان به وی ابلاغ نموده است که تمامی مدت مرخصی پزشکی غیبت محسوب شده است. و باید ۹۶۸ روز در زندان بماند و بلافاصله دیگر حکم زندان ایشان نیز اجرا می‌شود. (شهابی در حین گذراندن دوره محکومیت پنج ساله مجدداً به دادگاه فراخوانده شد و بسیار ناعادلانه محکوم به یک سال زندان گردید)

خانواده رضا شهابی اعلام کرده که «وی به سالن ۱۰ زندان گوهردشت که محل نگهداری زندانیان سیاسی می‌باشد، منتقل شده است این بند فاقد هر گونه امکانات اولیه زندگی است و زندانیان امکان هواخوری ندارند و حتی در این گرمای طاقت‌فرسا کولر و یخچال برای آنان فراهم نیست. علی‌رغم اتمام دوره محکومیت، بازگرداندن مجدد رضا شهابی به زندان در جهت اعمال فشار بر کارگران شرکت واحد برای جلوگیری از تداوم عدالت‌خواهی و عدم پیگیری خواسته‌های قانونی‌شان می‌باشد.»

رفقای عزیز:

همانطور که بارها به اطلاعاتان رسانده‌ایم رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری شدیداً درهراس است. این رژیم پایان زندگی زلوفی‌اش را در اتحاد طبقه کارگر و مردم می‌بیند و بنابراین سعی دارد هر کوششی در جهت ایجاد تشکلهای دمکراتیک و مستقل کارگری را خفه کرده و فعالین کارگری را با اتهام «توطئه علیه امنیت ملی» دستگیر کند. اما مبارزه برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری در ایران، تاریخی طولانی دارد، دستگیری و شکنجه فعالین توسط رژیم شاه و جمهوری اسلامی نتوانسته است این مبارزه را متوقف کند. با تشدید مبارزه، کارگران مطالبات خود را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل می‌کنند.

فراخواندن مجدد رضا شهابی و سایر فعالین سندیکایی نظیر اسماعیل عبدی، دبیرکل سابق و عضو ارشد کانون صنفی معلمان ایران، و یا محسن عمرانی، فعال صنفی معلمان و تشدید فشار بر کارگران نیشکر هفت تپه و دادگاهی نمودن آنها همه و همه ناشی از ترس جمهوری اسلامی از قدرت‌گیری تشکل مستقل کارگران است و از همین روی زبونانه می‌کوشد با تشدید فضای ارعاب و زندان و به‌گیر به‌بندهای رایج، کارگران را مأیوس و صدای اعتراض آنها را خاموش گرداند.

حزب کار ایران (توفان) از همه احزاب و سازمان‌های کمونیستی و انقلابی و همه نهادهای دمکراتیک مترقی می‌خواهد که بازداشت و زندانی‌کردن مجدد رضا شهابی و فعالین کارگری را شدیداً محکوم کنند.

حزب کار ایران (توفان) از همه احزاب و سازمان‌های کمونیستی و انقلابی و همه نهادهای دمکراتیک می‌خواهد، آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی را طلب کنند.

حزب کار ایران (توفان) از رفقای احزاب برادر، نیروهای دمکراتیک و مترقی، سازمان‌های کارگری و شخصیت‌های آزادی‌خواه می‌خواهد که با ارسال نامه‌های اعتراضی به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و یا به هر طریق ممکن که خود صلاح می‌دانند، بانگ اعتراض برآرند، ضمن محکوم کردن اعمال ارتجاعی و بربرمنشانه جمهوری اسلامی از حقوق دمکراتیک و اولیه کارگران ایران، دفاع و با آنها ابراز همبستگی نمایند.

آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی!

زنده باد همبستگی با کارگران و زحمتکشان ایران!

مرگ بر رژیم سرمایه داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی!

حزب کار ایران (توفان) ۲۰ اوت ۲۰۱۷

این نامه به تعداد بی‌شماری حزب، سازمان، جبهه، تشکل کارگری، فیسبوک و آدرس الکترونیکی ارسال شده است. در زیر لیست اسامی احزاب برادر متشکل در کنفرانس احزاب و سازمان‌های مارکسیستی لنینیستی ذکر شده‌اند.

حزب کمونیست کارگران تونس، حزب کار ترکیه، حزب کمونیست کارگران دانمارک، حزب کمونیست کارگران فرانسه، تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست کارگران آلمان، پلاتفرم کمونیستی نروژ، تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا - پلاتفرم کمونیستی، حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست کار دومینیکن، حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی ولتا (بورکینو فاسو)، حزب کمونیست شیلی (عمل پرولتاری)، حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی برزیل، حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست بنین، حزب کمونیست آلبانی، حزب کمونیست توگو، جبهه کارگران پاکستان، راه دمکراتیک مراکش، حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج، حزب کمونیست پرو (مارکسیست لنینیست)، دمکراسی انقلابی هندوستان

دست امپریالیسم آمریکا از ونزوئلا کوتاه باد!

اعلامیه حزب کار ایران (توفان) و بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست لاتین

در مورد رویدادهای ضدانقلابی اخیر در کشور مستقل ونزوئلا

با توجه به اخبار دروغی که در مورد رویدادهای ضدانقلابی در ونزوئلا انتشار می‌یابد، حزب کار ایران (توفان) بر آن شد که نظریه مارکسیست - لنینیست‌های آمریکای لاتین را در مورد این رویدادها منتشر کند. رویدادهای اخیر ونزوئلا نشان می‌دهد که گذار به سوسیالیسم واقعی و نه «بولیواری» هرگز نمی‌تواند به صورت مسالمت‌آمیز صورت گیرد. تجربه مبارزه مردم نشان می‌دهد که عنصر قهر و خشونت اهرم اساسی تخریب و نابودی کشور توسط ضدانقلاب ضربه دیده است. تا این ضدانقلاب توسط مردم مسلح و مصمم در تحت یک رهبری انقلابی سرکوب و نابود نگردد، ضدانقلاب از خراب‌کاری، همدستی با امپریالیسم واردکردن جاسوس و مزدور از خارج از کشور، بسیج لومپن پرولتاریا، همدستی با امپریالیسم برای محاصره اقتصادی و خرابکاری در چرخ تولید و توزیع، احتکار مواد غذایی و دارویی و استفاده از نارضائی ناشی از آن و ایجاد و دامن‌زدن روانی به روحیه یأس و ناامیدی، سرخوردگی، تشویش و ارباب دست برنمی‌دارد. ضدانقلاب ونزوئلا علیرغم ده‌ها انتخابات دموکراتیک در این کشور، از تخریب دست برداشته است و هرگز نتایج این همه‌پرسی‌های مردمی را به رسمیت نشناخته است. دموکراسی برای ضدانقلاب تا زمانی اعتبار دارد که منافع اقلیت آنها را در نظر داشته باشد. فریب این تبلیغات روانی را خوردن که دموکراسی امری ناب و غیرطبقاتی است، آغاز شکست بی‌پایان است. دولت حاکم در ونزوئلا باید به سنت‌های انقلابی این ملت وفادار به‌مانند و با الهام از دموکراسی مردمی و توده‌ای با بسیج مردم مسلح، این گروه‌های خرابکار و ضدانقلابی را نابود کند، در غیر این صورت این خون مبارزان و فرزندان قهرمان ونزوئلا خواهد بود که در جوی‌های کاراکاس جاری خواهد شد. با ارتجاع و امپریالیسم نه باید مماشات کرد. این سیاست مماشات و تأخیر آقای مادورا به شکست خواهد انجامید. امپریالیسم آمریکا هم‌اکنون با کشتی‌های نظامی خویش مانند راهزنان دریائی برخلاف نص صریح منشور ملل متحد، کشور مستقل ونزوئلا را بربرمنشانه محاصره کرده است و اجازه ورود مواد غذایی به این کشور را نمی‌دهد. در عرشه این کشتی‌ها قاتلان «آربنس»‌ها، «آلینده»‌ها یعنی «ویدلا»‌ها، «پینوشه»‌ها، «سوموزا»‌ها، «فوجیموری»‌ها، «اشتروسنر»‌ها و «کیسینجر»‌ها ... ایستاده‌اند و برای پیاده‌شدن و خون‌آشامی روزشماری می‌کنند.

دولت مادورا با مصالحه با ضد انقلاب فرصت‌های فراوانی را از دست داده است و این بی‌تصمیمی و بی‌ثباتی تنها به تزلزل روحیه توده‌ها منجر می‌شود که تصور خواهند کرد وضع تغییر نه نموده و نیروی آنها برای تغییر اوضاع کافی نیست. ترحم به ضد انقلاب خیانت به مردم و انقلاب است.

دست امپریالیسم آمریکا از ونزوئلا کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

جمعه ۲۰ مرداد ۱۳۹۶

بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست:

ما دخالت امپریالیستی در ونزوئلا را تقبیح نموده و خشونت ارتجاعی بر علیه مردم را محکوم می‌کنیم!

حوادث جاری در ونزوئلا بیانگر مداخله امپریالیسم آمریکا، کشورهای امپریالیستی اتحادیه اروپا و همچنین سازمان کشورهای آمریکائی (سازمان ضد کمونیستی شامل آمریکا و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین که مقر آن در واشنگتن است - توفان) و دولت‌های ارتجاعی آمریکای لاتین در کشور است. این حوادث، خشونت ارتجاعی سازمان یافته لیگارشی و نیروهای ارتجاعی را که برای بازگرداندن امتیازات گذشته تلاش می‌کنند و خواهان نابودی پیشرفت‌های اجتماعی مرحله اول باصطلاح «انقلاب بولیواری» هستند، در پیش چشم جهانیان به نمایش می‌گذارد. امپریالیسم یانکی از اقدامات دولت ونزوئلا برای جبران خسارات ناشی از بهره‌برداری از نفت و دخالت چین در اقتصاد کشور دل خوشی نداشته و آنرا تحمل نمی‌کند و در مقابل بر شدت اقدامات خود برای کسب و توسعه منافع خویش در بهره‌برداری از نفت و منابع طبیعی و بازار وسیع‌تر در ونزوئلا افزوده است. جدال‌های سیاسی و اجتماعی به خیابان‌ها کشیده شده و میلیون‌ها نفر کارگر و جوان، همه طبقات و قشرهای اجتماعی، نیروهای مسلح و پلیس درگیر آن هستند، و از طرف بورژوازی عناصر لمپن که به شکل سرباز مزدور عمل می‌کنند، بسیج شده‌اند. دولت نیکلاس مادورا نشان داده است که در پاسخ به ضروری‌ترین نیازهای مردم ونزوئلا ناتوان است و آنچه را که خودشان «تحول داخلی» نامیده‌اند، به وجود آورده است. ناکارآمدی دولت و سیاست‌های سازشکارانه با کمپانی‌های وابسته موجب کمبود مواد غذایی، دارو و مواد اولیه بهداشتی شده و دولت به دسته‌های تبهکار که شدیداً امنیت جامعه را تهدید می‌کنند، امکان رشد داده است. دولت مادورا اجازه داده است که قروض خارجی به طور عظیمی افزایش یابد و درهای کشور را بر روی امپریالیست‌های چین و روسیه گشوده است. فساد اقتصادی در سطوح بالای حکومت لنگر انداخته است. ونزوئلا از بحران اقتصادی که هر روز شدیدتر می‌شود، رنج می‌برد. این موجب رشد بیکاری و کمپانی در کشور شده و تورمی که هم اکنون به ۷۰۰ درصد رسیده است، ایجاد نموده، و ارزش پول را مکرراً کاهش داده است. ارتجاع و امپریالیسم برای به بازی گرفتن مردم به عنوان مخالفین بولیواریسم که خواستار استعفای نیکلاس مادورا و انتخابات زودرس هستند، این شرایط را مورد سوء استفاده قرار داده است. برخوردهای خشونت‌آمیز که روزانه حادث می‌شوند، بیانگر ابعاد بحرانی است که خطر حل آن به نفع امپریالیسم، لیگارشی و ارتجاع وجود دارد. ما بارها بیان

کرده‌ایم که در ونزوئلا انقلاب سوسیالیستی در حال تکوین نیست، که بنای سوسیالیسم در حال ساخته شدن نیست، که سیاست‌های اعمال شده از سطح تغییرات دمکراتیک فراتر نرفته‌اند. امروز این وضعیت همچنان پابرجاست. کارگران ونزوئلا خواهان تغییراند، آروزی بهره‌مند شدن از مزایای سوسیالیسمی که «انقلاب بولیواری» و «سوسیالیسم قرن بیست و یکم» برای آنها نیاورد، هستند. کارگران امید و انتظارات خود را از دست می‌دهند و نیروی راستگرا می‌تواند در نسبت بالائی آنها را به طرف خود سوق دهد. کارگران پیشرو، چپ‌های راستین، انقلابیون و دمکرات‌ها و مارکسیست - لنینیست‌های ونزوئلا در پی بدیلی هستند که منافع حال و آینده کارگران و توده‌ها را در خود داشته باشد. آنها با چالش‌های عظیمی روبرو هستند که توسعه این روند را خیلی دشوار می‌کند، اما آنها در مسیر درستی حرکت می‌کنند که به مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی موفق، زودتر بهتر از دیرتر، منجر خواهد شد. وقایعی که در ونزوئلا اتفاق می‌افتد، یک بار دیگر نشان می‌دهند که پوپولیسم و اصلاح‌طلبی پاسخی واقعی برای خواست‌های توده‌ها برای تغییر نیست. این وقایع بیانگر آن هستند که «انقلاب بولیواری» و «انقلاب قرن بیست و یکم» نمی‌توانند زنجیرهای استثمار سرمایه‌داری و سلطه امپریالیسم را درهم شکنند. ونزوئلا و نقاط دیگر جهان، چه حال و چه در زمان‌های مختلف در طول تاریخ، بر اینکه اصلاح‌طلبی و پوپولیسم بیان این و یا آن بخش از طبقه سلطه‌گر هستند که بطور عینی حامی نظام سرمایه‌داری‌اند، مهر تأیید می‌زنند.

مارکسیست - لنینیست‌ها مواضع ما را تأیید می‌کنند: تنها انقلاب سوسیالیستی، تنها سوسیالیسم، راه کسب عدالت اجتماعی و آزادی و دمکراسی برای کارگران و مردم است، تنها طبقه کارگر است که می‌تواند آزادی خویش و آزادی همه بشریت را سامان دهد. کمیته هماهنگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست، نشست مارکسیست - لنینیست‌های آمریکای لاتین، مداخله امپریالیسم آمریکا و تهدیدش مبنی بر محاصره اقتصادی ونزوئلا، مداخله اتحادیه امپریالیستی اروپا و همدستی دولت‌های ارتجاعی آمریکای لاتین با ضدانقلاب در ونزوئلا را شدیداً تقبیح می‌کند. ما خشونت ارتجاعی الیگارشی و نیروهای راستگرا را محکوم می‌کنیم. ما اعلام می‌داریم که مشکلات ونزوئلا باید توسط مردم آن و به نفع کارگران و توده‌ها حل و فصل شوند.

ما حمایت و همبستگی خود را با طبقه کارگر و مردم ونزوئلا، با دمکرات‌ها و ضد فاشیست‌ها، با چپ‌های راستین و انقلابیون، با پرولتاریای انقلابی متشکل در حزب مارکسیست - لنینیست ونزوئلا اعلام می‌داریم. ما همچنین همبستگی خود را با سازمان‌های متشکل در جبهه توده‌ای ونزوئلا و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی که در اتحادیه توده‌ای ضد امپریالیست و انقلابی ونزوئلا گرد آمده‌اند، ابراز می‌داریم.

کمیته هماهنگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست

نشست احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکای لاتین

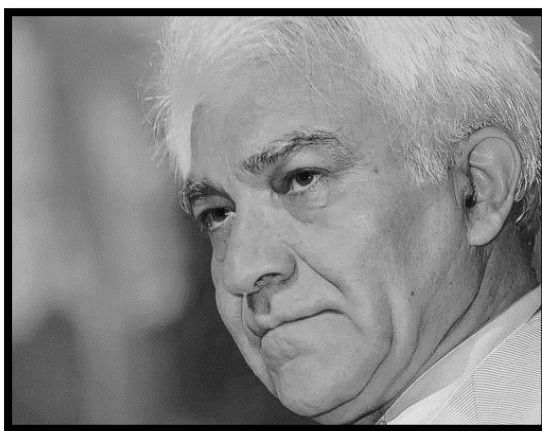
کیوتو - اکوادور - ژوئیه ۱۷ ۲۰ ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

گفتگوی رادیویی با دکتر ناصر زرافشان پیرامون

کابینه دوم حسن روحانی

این گفتگو در روزشنبه نوزدهم اوت از رادیو همبستگی استکهلم - سوئد پخش گردید. تلخیصی از این گفتگو از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد

پرسش: پیرامون کابینه دوم حسن روحانی - ویژگی مهم این دوره کابینه با کابینه قبلی چیست؟



پاسخ: من پیش از اینکه وارد این بحث در مورد سؤال شما شوم، می‌خواهم یادآوری کنم که امروز ۲۸ مرداد است. یعنی روز کودتای ننگین علیه مصدق است. و حالا که شما

بحث دولت کابینه را مطرح می‌کنید، انتظار داشتم لااقل یادی از دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد که البته جای دارد بطور جداگانه - بطور تفصیلی انجام شود، یادی کرده باشم. امری که مجال می‌دهد حتی امروز هم سیاه را سفید، حق و ناحق به کنند. اگر در این برنامه مجالی شد، دست کم که ۲۸ مرداد هست، یادمان باشد که پنجاه و اندی سال پیش چه اتفاقی در ایران افتاده. برای این که تحولات دهه گذشته هم به نظرم مستقیماً پی‌آمدها و نتایج آن اتفاقی است که در مرداد ۳۲ اتفاق افتاد.

زبان سوسیالیسم و ناسیونالیسم غرق شد و بعد از چند دهه وقتی جامعه ضربه‌هایی که به آن وارد شده بود، تحمل کرد، و دوباره نفس تازه کرد و خواسته‌هایش را مطرح کرد. این بار جز زبان مذهب، زبانی باقی نمانده بود که خواسته‌هایش را مطرح کند. و عده‌ای از این فرصت استفاده کردند و سواران انبان شدند. اما در مورد سئوالی که مطرح کردید، من به بحث جزئیات درونی کابینه جدید آقای روحانی علاقه‌ای ندارم. چرا که این جزئیات چیزی را تعیین نمی‌کند. از ابتدا هم این توهم را نداشتم که اصلاح‌طلبان - اعتدالیون - اصولگرایان - کندروها - تندروها - میانه‌روها - حاشیه‌روها و یا هر عنوان بی‌معنی و توخالی دیگری می‌باید مورد استفاده قرار به گیرد، گرفت، اگر آنها می‌توانست چیزی را در این مملکت تغییر دهد که حالا نگران باشیم که در بازی‌های آنها قرار بگیریم. اما خاصیت این بحث‌های عوامفریبانه این است که صورت مسئله اصلی را

تحت‌العشاع قرار می‌دهد و به طاق فراموشی می‌سپارد. این نوع بحث‌ها که این رفیق مثلاً جوان‌تر و یا پیرتر، آن یکی چاق‌تر و یا لاغرتر، این بحث به درد بی بی سی می‌خورد که یک روز با آب و تاب درباره مذاکرات مجلس بازار گرمی می‌کند، و روز دیگر با بحث‌های فقهی و کلامی با متشرقین مقیم لندن و پاریس و نیویورک می‌خواهد تجربه‌های اسلامی جامعه ما را به سمت اسلام راستین هدایت کند، راه و رسم و مبارزات مدنی را در چارچوب قانون به ما یاد دهد.

این مال بیرون است، و این هم مجلس نمایندگان‌مان که دیدیم چطور نمایندگان مجلس دور این خانم موگرینی جمع شدند - مانند دوره قاجار که می‌خواستند فرنگی به‌بینند. تصور می‌کردند که از کره مریخ آمده....، دورش جمع شدند تا با این خانم عکس یادگاری به‌گیرند. و بعد در مذاکرات دیدیم حداکثر توقع یک نماینده مجلس از وزیری که معرفی شده بود، این بود که جنازه‌های ما در سندوق پنجشنبه‌ها تا روز شنبه روی زمین می‌ماند، و چون پزشکی قانونی پرسنل کافی ندارد. اگر پرسنل کافی باشد تا جنازه‌های ما روی زمین نماند، مسئله ما حل شده و من رأی می‌دهم. و این مایه شرم است واقعاً. بحث‌هایی که می‌شود، اگر به خواهیم پیرامون آن بحث‌ها مسئله مربوط به تفاوت این کابینه و آن کابینه یعنی در واقع فرصت‌های عوام‌فریبانه‌ای است که فقط وقت تلف‌کردن است، تا صورت مسئله اصلی. در این زمینه‌ها من چیزی ندارم بگویم، و علاقه‌ای و انگیزه‌ای هم در مورد این بحث‌های بی حاصل ندارم. آنچه که در ورای این بحث‌های سرگرم‌کننده و توخالی به فراموشی سپرده شده است، ماهیت طبقاتی و اقتصادی دولت روحانی و چشم‌انداز آینده این دولت است. با توجه به شرایط فعلی این رکودی که روز به روز بیشتر به عمق می‌رود - این تورمی که هنوز حالا هم دو رقمی است. در شرایطی که آشکارترین شاخص‌ها مثلاً بیکاری - عدم اشتغال به عنوان برجسته‌ترین شاخص اردوی اقتصادی جلوی چشم همه داریم می‌بینیم، به چه کیفیتی - به چه وضعیتی رسیده. صحبت از نرخ رشد ۷٪ و بالای ۷٪ - مهار تورم - پایان رکود و امثالهم. کسی به مسئله اصلی توجه‌ای ندارد. فراموش کرده‌اند ماهیت طبقاتی و اقتصادی دولت را، والا دولت قبلی آقای روحانی با دولت کنونی روحانی تفاوتی ندارد. جز اینکه این بار دولت امنیتی‌تر شده و چون دوره دوم ریاست جمهوری ایشان هم هست، ایشان می‌داند که دوره سومی در کار نیست که به رأی و حمایت دیگران احتیاج داشته باشد، این بار طبیعی است که ملاحظات و رودرواسی‌های دفعه قبل را هم با اصلاح‌طلبان و بقیه شرکای خود نداشته باشد. و خیلی آشکار پشت سر گذاشت اکثر آنها را - و خیلی علنی‌تر با کسانی که می‌خواستند شریک باشند و کسانی امید بسته بودند، خیلی روشن‌تر و سریع‌تر برخورد می‌کند. اما برگردیم به اصل مطلب؛ کشمکش اساسی که در شرایط حاضر در جامعه ما جریان دارد، کشمکشی در واقع بین دو جریان - دو حرکت است. از یک طرف جریانی یا یک حرکتی که از جریان جهانی سرمایه مالی که در حال حاضر در عرصه بین‌المللی بر جهان تسلط دارد، الحام می‌گیرند، لبریز از آمیزه‌های نئولیبرالی و به دنبال اجرای یک برنامه تعدیل ساختاری در ایران هستند. و اتفاقاً نماینده اصلی این جریان بعد از رفسنجانی، آقای روحانی می‌باشد. و از طرف دیگر جریانی است که متعلق به بخش بازار سنتی است، که همه چیز را برای خودش می‌خواهد و نمی‌تواند - نمی‌خواهد - مایل نیست

رقیب بیگانه و از راه دور را تحمل کند. کشمکش اصلی این است. و البته چون کسانی که از هر دو جناح ظرف دهه‌های گذشته به ثروت‌ها و قدرت بادآورده رسیدند، این ثروت را می‌خواهند نگهدارند - می‌خواهند در گردش قراردهند و منطق گردش سرمایه جهانی هم یکی بیش نیست، بنابراین فرق نمی‌کند؛ این نوحواستگان - این نو قدرتان - این نوکیسگان، چه اصولگرا و چه اصلاح طلب چه تعادلی باشند و چه غیر تعادلی از یک منطق ناگزیزند حمایت کنند. این منطق سرمایه است، منطق جهانی سرمایه است که الان در عرصه بین‌المللی مستولی است. بنابراین آن کسانی هم که به خواهند در داخل حرکت کنند، سرمایه‌شان را و یا پولشان را فرق نمی‌کند به کدام جناح تعلق داشته باشند، ناگزیرند با این پیوند به خورند و از این منطق اقتصادی پیروی کنند. و بدین دلیل می‌گویم در چشم‌انداز اقتصادی بلندتر اتفاقاً برنده این کشمکش در ایران آن کسانی هستند که سرنوشت خودشان را با سرنوشت سرمایه مالی پیوند زدند. برای اینکه آن منطق، منطقی است که کسانی که آن طرف از اصولگرایان هم به پول و پله‌ای رسیده‌اند (حال می‌بینیم دست شراکت به بیرون مرز دراز می‌کنند) به دنبال همان‌هایی می‌روند که بر دنیا مسلط‌اند. اما هیچ کدام از این کشمکش‌ها به مردم و مصالح مردم و آینده جامعه ارتباطی ندارد. ما باید فکر این را به کنیم که بین ۶ الی ۷ محوری که در چارچوب برنامه‌های تعدیل ساختاری اجرا می‌شود. که الان شهادش هستیم در ایران. از خصوصی‌سازی‌های به گیریم - از حتی هر نوع نظارت دولتی بگیریم من همین امروز در روزنامه می‌خواندم؛ مسئولین الزام تعیین قیمت روی کالاها راهم برداشته‌اند. با دستورالعملی ابلاغ کرده‌اند: که هیچ تولیدکننده‌ای موظف نیست قیمت کالایش را اعلام کند. طبیعی است سرمایه‌ای که می‌خواهد بیاید در بازار ایران که چیزی عایدش شود، اگر نظارتی وجود داشته باشد - اگر قیمت‌ها مشخص باشد، دیگر چیزی عایدش نمی‌شود. این سیاست در چند دهه گذشته در بسیاری از کشورهای دنیا این برنامه تعدیل ساختاری اجرا شد، نتایج اجرایش پیش روی ماست. باید به فکر این باشیم. فعلاً تفاوت این دولت با آن دولت.... مسئله اصلی را می‌پوشاند و مانع آن می‌گردد که مسئله اصلی طرح گردد. حالا اگر فرصت بود گمان می‌کنم به برنامه‌های تعدیل ساختاری محور به محور که ۶ الی ۷ محور مختلف دارد، باید بدان توجه داشت. جناحی که آقای روحانی نماینده آن هست، از دهه‌های پیش با فرستادن نورچشمی‌ها مخصوصاً بطور فله‌ای به انگلیس، به پایتخت لیبرالیسم نو، کادرسازی کرده و امروز در واقع بخصوص در عرصه اقتصادی تمام مواضع کلیدی در دست‌شان هست و تلاش برای احیاء برنامه‌شان می‌کنند. این‌ها را باید دید که چه هست و چه چشم‌اندازی جلوست، و در قبالش چه باید کرد!؟

پرسش: «اصلاح‌طلبان» به هدفی که می‌خواستند، رسیدند - آنها می‌خواهند چه چیزی را واقعاً اصلاح کنند!؟

پاسخ: البته من گمان می‌کنم که چیزی بنام اصلاح‌طلبی به آن کیفیت وجود ندارد. بخصوص در این مرحله نشان دادند که بطور کامل فاقد برنامه‌اند. اصلاً نمی‌دانند چه می‌خواهند؟ صرف‌نظر از این که به توانند به دست آورند و یا نه توانند. آقای روحانی هم مجری برنامه تعدیل ساختاری

برنامه دارد و این بار به دلیلی که دولت دوم حتی اگر به کنار برود، گمان می‌کنم که آقایان «اصلاح‌طلب» خودشان بیش از ما متوجه شدند که این بار آنها را پشت در گذاشتند. بنابراین این بازی هم که هر بار موعد تقسیم کیک بین خود دولت مردان و صاحبان زر و زور می‌رسد، برای تعیین سهم‌شان یاد مردم می‌افتادند. از دهه‌های پیش و سال‌های پیش افشاگری از همدیگر می‌کردند، آنهم دیگر به سر رسیده است. الان بدون تعارف و رو در واسی آقای روحانی دنبال یک برنامه تعدیل ساختاری است و با مقاومت‌هایی هم از بالا روبروست. ولی متأسفانه جامعه به طور روشن از پس آن چیزی که در جریان است، نیست. «اصلاح‌طلبان» هم به آنچه که به خودشان اعتماد داشتند، گمان می‌کنم متوجه شده‌اند به چیزی نرسیده‌اند و پشت در مانده‌اند. خیلی طبیعی است که ایشان برنامه دارند، به نظرم آقای روحانی و نیروئی که با وی هستند، خیلی روشن‌تر است رفتارشان - معلوم است شناسنامه دارند - معلوم است که چه می‌خواهند. این دیگرانند که یا نمی‌دانند و یا خودشان را به نفهمی می‌زنند!

پرسش: هم اکنون ۲۲ روز است که ۲۰ زندانی سیاسی در زندان گوهر دشت در اعصاب غذا بسر می‌برند. رضا شهابی فعال کارگری... دوازدهمین روز اعتصاب غذایش را طی می‌کند. دادستان به وی اعلام کرد که باید شهابی ۱۷ ماه دیگر در زندان به ماند. روندی که در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی در ایران طی می‌شود، شما چطور این روند را ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: نه فقط دولت قبلی آقای روحانی و در واقع یک نگاه تمدیدی از دولت قبلی ایشان به دولت فعلی، می‌خواهم برگردم به دوران خرداد ۷۳، زمانی که آقای خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب شد - یکی از دوستان «اصلاح‌طلب» گفت که بار ما به این سادگی و راحتی به مقصد نمی‌رسد. آقایان گفتند که آینده نشان خواهد داد. چون تازه آقای خاتمی انتخاب شده بود و در مورد آینده هر حرفی را می‌زد. امروز ۹۳ یعنی درست ۲۰ سال از خرداد ۷۳ می‌گذرد. روایاتی که بر سر زندانیان آمده، اخبار و رسانه‌ها هستند و همه ما در جریان هستیم. اما بطور کلی حالا دیگر بعد از ۲۰ سال صحبت آینده نیست، که معلوم نباشد برای ما چه دسترنجی دارد، صحبت گذشته است. از خرداد ۷۶، از دو دوره خاتمی یا از یک دوره قبلی آقای روحانی چه دیدیم؟! حرف آن بوده و بعد از آن هم طبیعی است که همان باشد که در این مدت طی شد. یعنی در واقع؛ بی‌خود با خیالات واهی خود را سرگرم نکنیم - این خیالات واهی، این دولت و آن دولت را - تفاوت‌شان را باید گذاشت کنار، و باید رفت سراغ آینده و با چشم روشن‌تر دید و برای مبارزه با آن آماده شد!

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند پرسش

پرسش: سوسیالیسم در شوروی چه آفرید، دست‌آوردهای شوروی نسبت به غرب چه بوده؟ چرا شوروی فروپاشید؟

پاسخ: ابتدا چند نکته را باید به خاطر سپرد. یکم: چرا دشمنی با سوسیالیسم؟ قدرت‌های غربی با صرف هزینه‌های کلان و با کمک رسانه‌ها؛ و



جامعه‌شناسان خودفروخته طرفدار نظام سرمایه‌داری، همواره کوشش کردند تا با ماشین شستشوی مغزی افکار عمومی، نام استالین را کنار هیتلر و خامنه‌ای و مستبدین مذهبی و فاشیست به عنوان دیکتاتوری آدمکش قرار دهند. استالین یعنی «جنون آدمکشی داشت و کمونیسم یعنی سلب آزادی فردی و اجتماعی و سیستم آدمکشی و این سیستم با طبیعت بشر نمی‌خواند!!!»

این تعرض ایدئولوژیکی که در قالب رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و در همه عرصه‌ها صورت می‌گیرد هدفی جز خلع سلاح روحی و فکری مردم، بی‌اعتبار کردن سوسیالیسم به عنوان تنها نظام رهایی بشریت و جانداختن خط منحنی نظام استثماری سرمایه‌داری، آنهم از نوع نئولیبرالیسم امپریالیستی که با جنگ و جنون و غارت و فقر جهان و تاراندن میلیون‌ها نفر از خانه و کاشانه‌شان است، درس ندارد. جهانی که ما امروز شاهدش هستیم، جهانی است سرمایه‌داری و گلوبال که «آزاد» هم معرفی می‌شود. جهانی که ثروت ۸ نفر برابر است با دارایی نیمی از اهالی بشر. جهانی که در اثر مناسبات سرمایه‌داری و نابرابر و استثماری در هر ثانیه یک کودک جانش را از دست می‌دهد. هر دقیقه ۶۰ کودک. نزدیک به نیمی از مردم جهان دچار سوء تغذیه هستند و از کمبود کالری، پروتئین و املاح ضروری در رنج‌اند. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ میلادی اعلام داشت که قریب به ۱ میلیارد نفر در جهان دچار کمبود غذایی‌اند که این رقم به مراتب کمتر از آمار دیگر پژوهشگران است. بیش از یک میلیارد نفر در حلبی آبادها زندگی می‌کنند. یک میلیارد انسان به آب سالم دسترسی ندارند. دو میلیارد انسان برق ندارند. دو میلیارد و نیم انسان از وسائل بهداشتی محروم‌اند. امروزه حتا در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز بخش بزرگی از مردم زندگی

نامنی را سپری می‌کنند. مثلاً در ایالات متحده بیش از ۱۴ میلیون خانواده از نظر تغذیه امنیت ندارند و چهار میلیون خانواده (شامل ۹۶ میلیون نفر)، دائم از یک یا دو وعده غذا در روز می‌گذرند تا بقیه خانواده غذا داشته باشند..... جنبه دیگر مظاهر نظام سرمایه‌داری شرایط محیط‌زیست بشر است که طی دو قرن و نیم سرمایه‌داری صنعتی، وجود جنگ تقریباً بطور بی‌وقفه به بهای جان صدها میلیون انسان بوده است. اشغالی، بردگی، نسل‌کشی، جنگ‌های قومی، جنگ‌های نیابتی و بهره‌کشی بخش جدایی‌ناپذیری از تاریخ نظام سرمایه‌داری بوده است.

دو جنگ ویرانگر جهانی یک قرن اخیر مولود نظام امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان بوده که بیش از ۱۰۰ میلیون کشته و مجروح و ویرانی عظیم برجای گذاشت. شایان ذکر است که جنگ جهانی اول با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی و با ابتکار دولت نوین و صلح‌دوست سوسیالیستی به پایان رسید و جنگ جهانی دوم نیز که آغازگرش ممالک امپریالیستی و آلمان در رأسش بود، در مقابل ارتش سرخ شوروی استالینی درهم شکست و جنگ جهانی دوم در ۹ ماه مه ۱۹۴۵ پایان یافت. علی‌رغم این اما ضد کمونیست‌های ملی مذهبی و لیبرال و نئولیبرال و اعوان و انصارشان شرم و حیا نمی‌کنند که به کمونیست‌ها که با میلیون‌ها کشته صلح را برای جهانیان به ارمغان آوردند، حمله کنند و آنها را مخل صلح و آزادی جلوه دهند!

دوم: سوسیالیسم در شوروی چه آفرید؟

دست‌آوردهای انقلاب اکتبر در دوران رهبری استالین کدامند؟

بطور مختصر:

- مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از میان رفت، تولید سوسیالیستی با توزیع سوسیالیستی همراه شد و آهنگی نوین و رشدی سریع و هارمونی بر اقتصاد و فرهنگ و هنر و ورزش جامعه حاکم گشت که در تاریخ بشریت بی‌نظیر بود. به عبارت دیگر چرخ تولید بدون سرمایه‌دار به گردش درآمد، شوراهای کارگری و دهقانی تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ‌شان تولید را خود در دست گرفتند و براساس نیاز جامعه و نه سود برنامه ریزی کردند.
- آموزش و پرورش رایگان شد
- سطح زندگی کارگران و زحمتکشان ترقی کرد
- بیسوادی، بیکاری، اعتیاد، فحشا، بی‌مسکنی و گرسنگی ریشه‌کن شد
- در زمینه هنر و ورزش، کشور شوراهای همواره مقام اول در جهان را کسب می‌کرد.
- مراقبت‌های بهداشتی همگانی و دو برابر نمودن امید به زندگی نتیجه سیاست‌های انسان‌دوستانه کشور شوراهای بود
- جنبش مزارع اشتراکی و کشاورزی مدرن
- تأسیس اولین نیروگاه هسته‌ای در جهان

- رساندن انسان به عصر فضا
- فراموش نکنیم اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری استالین برای سه سال به تنهایی جنگید و جبهه متفقین زمانی گشوده شد که آلمان در حال شکست و عقب‌نشینی بود. در یک کلام سوسیالیسم تحت رهبری استالین و در محاصره امپریالیست‌ها بنا شد و به پیروزی رسید. تحت رهبری استالین بود که عفریت فاشیسم درهم شکست و صلح در جهان برقرار گردید.

با وجود همه این دست‌آوردها ضد کمونیست‌ها و دنباله‌روهای بورژوازی امپریالیستی نئولیبرال می‌گویند، سوسیالیسم جواب نمی‌دهد!! دست‌آوردهای انقلاب اکتبر و ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری دیکتاتوری پرولتاریا عظیم و غیر قابل انکار است و شوروی سوسیالیستی از آن تاریخی که راه خیانت پیش گرفت و در کنگره بیستم وقتی دارودسته خروشچف تزه‌ای ضدمارکسیستی خود را بر حزب تحمیل کردند و سود و ذینفعی مادی به عنوان محرک جامعه قلمداد شد، سوسیالیسم از درون تهی شد و سرانجام فروپاشید. تغییر تحولات رویزیونیستی بعد از کنگره بیستم در سال ۱۹۵۶، نقطه عطف در تغییر ماهوی رهبری شوروی است و تبعات احیای سرمایه‌داری در شوروی ربطی به سوسیالیسم نداشت و ندارد، آنچه به نام «سوسیالیسم واقعا موجود» وجود داشت و از آن سخن می‌رفت، سوسیالیسم نوع تقلبی بود، نه سوسیالیسمی تحت رهبری حزب طبقه کارگر و دولت دیکتاتوری پرولتاریا. شوروی رویزیونیستی در حرف سوسیالیست و در عمل امپریالیست بود و شدیداً به اعتبار جنبش سوسیالیستی جهانی و اتحاد جماهیر شوروی لطمه زد و به این زودی‌ها این تشنگی فکری و کج فهمی‌های سیاسی پایان نخواهد گرفت. آلبرت انشتین در مورد شستشوی مغزی جامعه توسط بورژوازی به درستی اشاره داشت و گفت «فلج کردن آگاهی اجتماعی افراد را، مخرب‌ترین دستاورد سیستم سرمایه‌داری می‌دانم. کلیت سیستم آموزشی ما از این سیمای زشت سرمایه‌داری رنج می‌برد. به دانش‌آموز نوعی اخلاق رقابتی اغراق‌آمیز القا می‌شود تا دانش اکتسابی خود را تنها برای موفقیت فردی خود در آینده مورد ستایش قرار دهد. من متقاعد شده‌ام که برای از بردن این سیمای زشت سرمایه‌داری تنها یک راه وجود دارد، و آن استقرار اقتصاد سوسیالیستی همراه با یک سیستم آموزشی با اهداف اجتماعی و سوسیالیستی می‌باشد. در چنین سیستم اقتصادی، ابزار تولید در مالکیت جامعه است و به شیوه برنامه‌ریزی شده به کار گرفته می‌شود. سیستم اقتصاد برنامه‌ای، تولید را بر اساس نیاز جامعه تنظیم می‌کند، کار را بین همه کسانی که توانایی کار کردن را دارند، تقسیم می‌کند و معیشت همه مردان، زنان و کودکان را تضمین می‌کند. آموزش فردی، علاوه بر این که شکوفایی استعدادهای ذاتی را تشویق می‌کند، تلاش می‌کند تا به جای تکریم و ستایش قدرت و موفقیت فردی، احساس مسئولیت نسبت به دیگر هموعان در جامعه را ایجاد کند». اخیراً کتابی در مورد رویزیونیسم و علل خیانت حزب توده ایران به مارکسیسم - لنینیسم و تغییر ماهیت حزب و دولت شوروی پس از کنگره بیستم در سال ۱۹۵۶ انتشار داده ایم که به بسیاری از مهمترین مسائل تئوریک پاسخ گفته است. خواندن این اثر ارزشمند را به شما توصیه می‌کنیم.

پرسش و پاسخ در کانال تلگرام

برگرفته از کانال تلگرام

پرسش: بلشویک‌ها خانواده تزار را اعدام کردند، آنها چه گناهی داشتند؟

پاسخ: دوست عزیز، اگر به خواهیم در مورد خصلت انسانی‌ترین انقلاب بشر و دست‌آورد هایش به گوئیم، مثنوی هفتاد من میشود، در این مختصر نمی‌گنجد. اما این را همه دانسته است که انقلاب اکتبر همانقدر که مورد شادمانی کارگران و زحمتکشان جهان و



همه روشنفکران و شیفتگان آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی قرار گرفت به همان نسبت مورد خشم و کین و تنفر سرمایه‌داری و نیروهای واپسگر و ارتجاع جهان قرارداد شد و هنوز هم دارد. زیرا برای نخستین بار در تاریخ مالکیت خصوصی بر ابزار تولید همگانی شد و استثمار فرد از فرد برآفتاد. از این روی بورژوازی که ناموس و تمام هستی و شخصیت‌اش پول و سرمایه و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است، هیچگاه روی خوش به انقلاب اکتبر نشان نداده و نخواهد داد و با هزار تحریف و دروغ سعی بر بی‌اعتبار کردن نخستین تجربه ساختمان سوسیالیسم دارد. بورژوازی جهانی که بیش از دو قرن از عمرش می‌گذرد و جنایت‌ها کرده است و مسبب دو جنگ جهانی بزرگ و صدها جنگ محلی بوده، اینک برای اعدام تزار و خانواده‌اش اشک می‌ریزد و با توسل به یک سری مسائل فرعی در انقلاب اکتبر سعی دارد طبیعت انسانی سوسیالیسم را خشن و خونریز جلوه دهد. اگر به تاریخ کشتار ۳۰۰ ساله دودمان رومانف نظر افکنیم، نظام‌اش مملو از جنایت و خونریزی و فقر و فلاکت و بردگی و بندگی انسانهاست و داستان واقعی این تاریخ چرکین را می‌توان در آثار بزرگترین نویسندگان آن قرن نظیر ماکسیم گورکی و تولستوی و غیره مطالعه کرد. اعدام خانواده تزار در مقابل قتل عام‌های سلطنت تزاری روسیه قطره‌ای در دریاست. اما از آنجا که پرسش‌تان را بی‌جواب نه گذاریم، اشاره کوتاهی به موضوع اعدام خانواده تزار می‌کنیم، شاید مفید فایده قرار گیرد.

نیکلای دوم که از سال ۱۸۹۴ بر روسیه حکومت کرده بود، در پی شکست‌های پی در پی ارتش روسیه از آلمان در جبهه‌های جنگ جهانی اول و کشته‌شدن بیش از دو میلیون سرباز روس، مورد نفرت شدید مردم روسیه قرار گیرد و قحطی و فقر عمومی نیز بر شدت این نفرت افزوده بود. این نارضایتی و قیام عمومی سبب شد که قدرت سیاسی در فوریه ۲۰۱۷ در ید کرنسکی رئیس دولت

موقت قرارگیرد که سرانجام پس از ۹ ماه با انقلاب کبیر اکتبر سوسیالیستی تحت رهبری حزب بلشویک سرنگون شد و حکومت شوراها در سراسر روسیه مستقر گردید.

۹ ماه پس از پیروزی انقلاب بلشویکی روسیه و ۱۶ ماه پس از تفویض اختیارات، ۱۶ ژوئیه سال ۱۹۱۸ نیکلای دوم تزار روسیه، همسر و فرزنداناش که در سیبری به حالت تبعید به سر می بردند، اعدام شدند و با اعدام آنان به سلطنت ۳۰۰ ساله دودمان «رومانوف» بر روسیه پایان داده شد. تصمیم اعدام از سوی کمیته محلی انقلاب گرفته شده بود و در مورد تزار، همسرش الکساندرا، پسرش (ولیعهد سابق) الکسیس، چهار دختر تزار و نوکران آنان انجام شد. کمیته محلی انقلاب بعدا اعلام کرد از آن بیم داشت که به علت ادامه جنگ داخلی، مخالفان کمونیسم او (تزار) را بربایند و در برابر انقلاب قراردهند. اما به آنچه باید توجه کرد و کمتر از آن در رسانه های بورژوازی سخن می رود، این است که شخص لنین رهبر انقلاب اکتبر به شوراها محلی یکاترینبورگ دستور اعدام تزار را فقط می دهد تا با ایجاد رعب و شکستن مقاومت سربازان گارد سفید که با چهارده کشور سرمایه داری برای سرنگونی حکومت جوان شوروی می جنگیدند، درهم شکسته شوند و امیدشان به احیای خاندان سلطنتی رومانوف به شکست انجامد. براساس مدارک و شواهدی که در دو دهه اخیر به دست آمد، لنین فقط دستوراقدام نیکلای دوم را داده بود و نه اعضای خانواده تزار و خدمه اش را. اما یاکوف یوروفسکی رئیس زندانبان و مسئول کمیته محلی، طور دیگری عمل کرد. درضمن باید توجه کرد که انقلاب کبیر فرانسه نیز در برخورد با دشمنان انقلاب و اعدام های ضدانقلابیون تاریخ پرفراز و نشیبی دارد که در آن شاهد برخی زیاده روی هایی هستیم که اگر امروز به خواهیم با آنچه در انقلاب اکتبر گذشت، مقایسه به کنیم، به مراتب خونین تر است. اما از آنجا که انقلاب فرانسه یک انقلاب بورژوازی برای بسط و گسترش مالکیت خصوصی بود اعدام های انقلابی آن انقلاب مشروع و اعدام های انقلاب سوسیالیستی اکتبر غیرمشروع و خشن و ضدانسانی جلوه داده می شود. می بینید مبارزه طبقات و مبارزه ایدئولوژیک بین سرمایه داران و سوسیالیست ها در تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی و ادامه داشته و تا محو کامل طبقات نیز این مبارزه مرگ و زندگی ادامه خواهد داشت.

معرفی یک کتاب ارزشمند در افشای رویزیونیسم

«حزب توده ایران گذار از رویزیونیسم به سوسیال دموکراسی»

از انتشارات جدید حزب کار ایران (توفان)

مطالعه این اثر ارزشمند را به همه کمونیست‌ها و انقلابیون ایران توصیه می‌کنیم

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/Hezb%20Tideh%20170805.pdf>

پیشگفتار

برای ورود به بحث و کالبد شکافی برنامه سیاسی حزب توده ایران در عرصه ایران و جهان، لازم است که خواننده با سابقه امر آشنا شود تا بهتر بتواند مسیر تغییرات و تحولات در مواضع سیاسی این حزب را تعقیب نماید. برنامه و خط مشی کنونی حزب توده ایران، ادامه همان برنامه‌های گذشته است که به تدریج و بنا بر مصلحت زمان بیشتر ماهیت رویزیونیستی خویش را نشان می‌دهد و به جایی خواهد رسید که مارکسیسم - لنینیسم را می‌بوسد و به همراه دیکتاتوری پرولتاریا و مبارزه انقلابی، آنرا رسماً کنار می‌گذارد. حزب کار ایران (توفان) قصد دارد در این نقد نخست زمینه‌های تئوریک انحرافات حزب توده ایران مبتنی بر آنچه که مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد، سپس سازشکاری سیاسی و رفرمیسم آنرا به صورت مشخص در برنامه‌اش نشان دهد. بدون داشتن این محمل‌های تئوریک و آشنائی هر چند محدودی با دانش مارکسیسم - لنینیسم، برای خواننده مقدر نخواهد بود، ماهیت شعبده‌بازی و انحرافات رویزیونیستی حزب توده ایران را درک کند.

نقش حزب توده ایران در ایجاد تشتت فکری

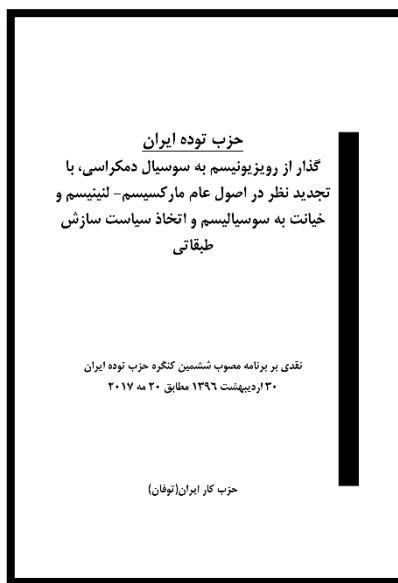
حزب توده ایران برنامه‌ای تدوین کرده است که شامل دو قسمت اساسی است. بخش نخست این برنامه بررسی علل فروپاشی شوروی و جمع‌بندی از آن در مورد پذیرش «سوسیالیسم نوع جدید» و بخش دوم برنامه شامل بررسی ایران و سیاست حزب توده ایران در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی در گذشته و حال است.

حزب کار ایران (توفان) به تک تک اظهارات حزب توده ایران و همدستی آنها با رژیم جمهوری اسلامی در خدمت مطامع شوروی نمی‌پردازد، زیرا از حوصله این بررسی خارج است و برای خوانندگان تکراری و کسل کننده خواهد بود. ما تلاش خود را محدود به این می‌کنیم که دروغ‌ها و نادرستی‌ها و دوپهلوگوئی‌ها، کتمان حقایق گذشته و انحرافات کنونی ایدئولوژیک و سیاسی این

حزب رویزیونیستی را برای کمونیست‌ها و طبقه کارگر ایران روشن کنیم. حزب توده ایران در برنامه‌اش با تحلیل مسایل جهانی و به ویژه نقش امپریالیسم آمریکا و ناتو، توسل به خواست‌های دموکراتیک و مطالباتی مردم ایران - که دیگر کسی نمی‌تواند منکر آنها باشد - عملاً کتابچه‌ای منتشر می‌کند که در لابلای راست و دروغ و عمومی‌گوئی‌های غیر قابل انکار، اساس مسئله گم شود. وظیفه ما در این بررسی‌ها این است که این صف‌آرائی برای ایجاد تشت فکری را برملا کنیم. به این جهت باید معلوم شود که این حزب چه می‌گفته، حال چه می‌گوید و چرا در مورد نظریات گذشته خود سکوت می‌کند و آنها را به نقد نمی‌کشد و علت تغییر و «تصحیح» کردن آنها را بیان نمی‌کند و طوری جلوه می‌دهد که گوئی اتفاقی نیفتاده است. حال حزب توده ایران تئوری‌های کهنه را در قالب پوسته «نوین» جا می‌زند و طوری جلوه می‌دهد که این نظریات کنونی همه آموزه‌هایی از گذشته و مبتنی بر جمع‌بندی از آنهاست.

حزب توده ایران در تمام دوران مبارزه ضد رویزیونیستی در کنار رویزیونیست‌های شوروی بود و از نظریات آنها بر ضد کمونیست‌ها و در ایران بر ضد «سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان» دفاع می‌کرد. حال که شوروی فروپاشیده است، انکار نظریات نادرست رویزیونیست‌ها ممکن نیست. حزب توده ایران به جای اینکه از خود انتقاد کند و به‌پذیرد که در نبرد عظیم ایدئولوژیک این کمونیست‌های توفانی بوده‌اند که حق داشته‌اند، در بخش نخست برنامه خود زیرجلکی نظریات درست را ولی نیمه‌کاره به نام تجارب خودش جا می‌زند و از کنار انتقاد از خود که طبیعتاً نتایج فاجعه باری برای این حزب خواهد داشت، فرار می‌کند.

ما بر این نظر بودیم و هستیم و این نظریات را در اسناد کتبی غیر قابل انکار در زمان خود منتشر کرده‌ایم که خروشچف رهبر رویزیونیست‌ها با حمله به «کیش شخصیت استالین» نخستین گام را برای نابودی سوسیالیسم برداشت. مبارزه با «کیش شخصیت استالین» دسیسه رویزیونیست‌ها برای تغییر ماهیت حزب و دولت شوروی بود. باید نشان داد که حزب توده ایران در آن زمان چه گفته است و حالا چه می‌گوید.



ما بر آن نظر بودیم و هستیم که تئوری‌های «حزب تمام خلق» و «دولت تمام خلق» تماماً رویزیونیستی بودند و برای نابودی سوسیالیسم از جانب خروشچف در حمله به استالین ساخته و پرداخت شدند و در زمان خود در این باره اسنادی را منتشر کردیم و مورد تهاجم حزب توده ایران قرار گرفتیم. خوب است مردم بدانند که این حزب در آن زمان چه می‌گفت و ما چه می‌گفتیم و این حزب اکنون چه می‌گوید.

ما بر آن بودیم که تئوری‌های خروش‌چف در مورد «همزیستی مسالمت آمیز»، «گذار مسالمت آمیز» و «مسابقه مسالمت آمیز» تئوری‌های رویزیونیستی بودند و هستند و باید دید که حزب توده در آن زمان چه می‌گفت و امروز چرا چیزی نمی‌گوید.

ما بر آن بوده و هستیم که دولت دیکتاتوری پرولتاریا، دولت دموکراسی و نماینده خواست اکثریت افراد جامعه است و باید این دولت را برای سرکوب ضد انقلاب داخلی و خارجی تا دوران زوال قطعی دولت حفظ کرد. شکل این دیکتاتوری پرولتاریائی دولت شوراهاست.

باید دید حزب توده ایران در مورد مقوله دیکتاتوری پرولتاریا چه می‌گفت و امروز چرا بدون کوچک‌ترین توضیح به اعضا و طبقه کارگر آنرا از برنامه خود حذف کرده است. شما در تمام برنامه و مصوبات حزب توده ایران کلمه‌ای در مورد این مقوله مهم پیدا نمی‌کنید. شما نه تنها به عبارت دیکتاتوری پرولتاریا که هسته مهم مارکسیسم-لنینیسم است و یکی از مبانی نزاع میان لنین و کائوتسکی بوده است، برخورد نمی‌کنید، برعکس در سراسر برنامه این حزب، نظراتان جلب می‌شود که حزب توده ایران به مبارزه با همه‌ی حکومت‌های دیکتاتوری می‌پردازد و مرتب به جنبه ارتجاعی این حکومت‌ها با استفاده از مفهوم دیکتاتوری تکیه می‌کند، آنهم برای اینکه یک رنگ منفی و عوام‌فریبانه بورژوائی بر روی مقوله دیکتاتوری پرولتاریا به پاشد و مفاهیم طبقاتی را مخدوش کند، این حزب رویزیونیستی در همه جا فوراً دست به کار می‌شود تا تمام رژیم‌های مستبد و خودکامه را با صفت دیکتاتور مزین کند. این روش همه رویزیونیست‌ها می‌باشد که مفاهیم طبقاتی را از مضمون اجتماعی و تجربه تمام تاریخ بشریت تهی می‌نمایند تا برای بورژوازی قابل قبول بوده به وفاداری آنها برای شرکت‌شان در حکومت اعتماد کند. به همین جهت نیز رویزیونیست‌ها برای فریب طبقه کارگر تنها از دموکراسی پرولتری و نه دیکتاتوری پرولتری سخن می‌رانند و در عمل با روش مودیانه‌ای نفی می‌کنند که مقوله دموکراسی و دیکتاتوری به مثابه مفاهیم اجتماعی طبقاتی اند و توأماً وجود دارند. در جایی که برای طبقه کارگر و زحمتکشان دموکراسی هست، در همانجا برای طبقات استثمارگر تنها می‌تواند دیکتاتوری وجود داشته باشد. این تجربه و آموزش تمام تاریخ بشریت از بدو پیدایش مبارزه طبقاتی است. تمام طبقات حاکمه تا به امروز تنها دیکتاتوری طبقاتی خویش را اعمال کرده‌اند.

این روش متناقض، دامن زدن به آشفته فکری، تضاد در گفتار و کردار نشانه عدم صمیمیت کمونیستی و بیان روشن پذیرش رویزیونیسم است.

ما در بخش دوم بحث خود نشان می‌دهیم که حزب توده ایران با تئوری‌بافی‌های ضد مارکسیستی از انقلاب قهرآمیز پرولتری روی بر تافته و خود را برای لم دادن در سنگر اپوزیسیون ابدی بی‌ضرر و مورد اعتماد و قبول بورژوازی، آماده کرده است. این حزب رویزیونیستی در پی شرکت در حکومت ایران و تقویت مناسبات حاکم برای همیشه است.

توفان در رسانه



فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

facebook.com/toufan.hezbekar



کانال رسمی تلگرام حزب کار ایران (توفان)

<http://telegram.me/totoufan>



تویتر حزب کار ایران (توفان)

<https://twitter.com/toufanhezbkar>



نشریه توفان ارگان حزب کار ایران (توفان)

https://toufan.de/?page_id=14



نشریه توفان الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)

https://toufan.de/?page_id=24



وبلاگ توفان قاسمی

[/www.rahetoufan67.blogspot.de](http://www.rahetoufan67.blogspot.de)



وبلاگ ظفر سرخ

[/www.kanonezi.blogspot.de](http://www.kanonezi.blogspot.de)



سایت کتابخانه اینترنتی توفان

https://toufan.de/?page_id=16



توفان انگلیسی

https://toufan.de/?page_id=28



آگاه و وبلاگ کارگر

[/http://www.kargareagah.blogspot.de](http://www.kargareagah.blogspot.de)



آرشیو نشریات

www.toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm



تارنمای توفان

www.toufan.org

تارنمای آزمایشی توفان

www.toufan.de

حساب بانکی

Postbank Hamburg/Gedrmany

کد بانکی

20110022

شماره حساب

2573372600

IBAN No .:

DE70 2011 0022 2573 3726 00